

سفر به کره ماه - با ۴ صفحه اضافه بها: همان ۱۰ ریال
 ماه مخصوص «ماه» توفیق



حقوق یکسال نمایندگان معادل ۷۵ هزار تومان است.
 بهای بلیت رفت و برگشت بکره ماه ۷۵ هزار تومان تعیین شد - جراید

اوس عباس - تو دلت نمیخواه ۷۵ هزار تومان بدی بری کره ماه سیر کنی؟
 آمیرزا - من احتیاجی به سیر ماه ندارم، چون آخر هر ماه که حقوق میگیرم عرشو سیر میکنم!



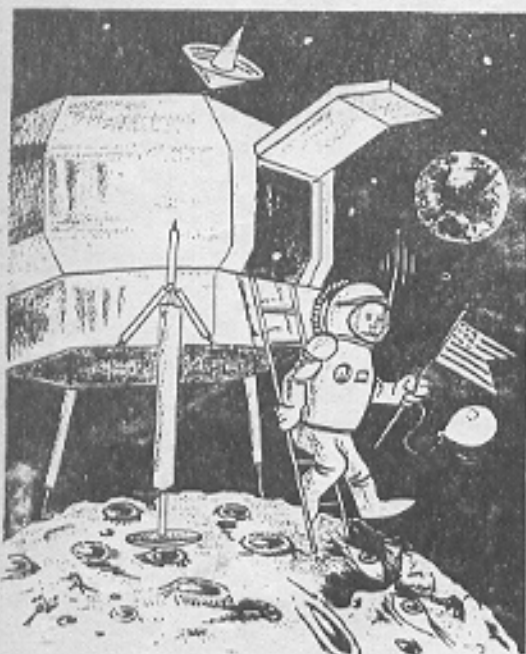


صاحب امتیاز و مدیر : حسن توفیق
ساعات کار : عصرها (به استثنای پنجشنبه و جمعه)
از ساعت ۴ تا ۹ بعد از ظهر

نقل مندجات نشریات توفیق تا یکماه پس از انتشار
در جراید و مجلات با ذکر مأخذ آزاد است و کلیه حقوق
منحصرأ به روزنامه توفیق تعلق دارد.

محل اداره : تهران - خیابان استانبول - شماره ۱۲۸ تلفن : ۳۳۹۶۷۳ - ۳۳۱۷۱۵ اقتباس و تقلید ممنوع است چاپ رنگین باغ سیهالار

● مناسبت سفر به کره ماه ●
چهار صفحه کامل و بدون شماره صفحه به روزنامه اضافه شده که در صفحات وسط ملاحظه میفرمائید



دشمنانورد آمریکائی با پای چپ بکره
ماه قدم خواهد گذاشت . « جراید »
ماه - ای آمریکائی ناقلا هنوز نرسیده
با ما چپ افتادی ؟

گوشت آبگوشتی

ای گوشت، همراه دوسه تان خوش آمدی
در سفره فقیر پریشان خوش آمدی
در سفره فقیر ، بعنوان آبگوشت
با یک قرابه آب و دوتا نان خوش آمدی
نطف غذای ملی ما از وجودت
اندر غذای ملی ایران خوش آمدی
ای چاره ساز معدی شهری ، قدم بخیر
وی نور چشم درزی دهقان خوش آمدی
چشم دو ماه بود که رنگ ندیده بود
امروز بعد از آنهمه هجران خوش آمدی
ای دلبه تو اندک وای وزن تو فلیل
همراه استخوان فراوان خوش آمدی
از چرم نابزا تری از سنگ سخت تر
ای مایه شکستن دندان خوش آمدی



ای از لحاظ وزن بسی کم تر از دو سیر
وی در بها فزون زسه تومان خوش آمدی
یک تکه تو از پرو و یک تکه ات از میش
ای پاره تن دوسه حیوان خوش آمدی
از ما اسر تو دور شوی ، کار مشکل است
ای مشکلات ما ز تو آسان خوش آمدی
ای گنجها رساننده به یک مشت مرغ خوی
وی رنجها رساننده به چوپان خوش آمدی

« خروس لاری »

سومشق هفته

آنانه فتح ماه به روی فضا کنند

آیا بود که میل به صلح و صفا کنند ..

سرمقاله توفیق ...

در راه یافتن شصت هزار دانش آموز
جدید به مدارس !

مقامات آموزشی با نزدیک شدن زمان اسم نویسی مدارس، معمول سنواتی به تکاپو افتاده و اعلام کرده اند که سال تحصیلی آینده شصت هزار دانش آموز جدید به رس راه خواهند یافت .

این تکاپو البته تکاپوی مقدسی است چون وزارت آموزش و اوقاف تا بهتان هر سال، دفعتاً بیادیا نیز و آغاز سال تحصیلی فتد و بلافاصله کوشش پی گیری را برای اجاره کردن نه های جدید و استخدام معلم و خرید نیمکت و تخت سیاه باز میکنند (۱) و خود را برای پذیرفتن حداقل شصت هزار دانش آموز جدید، آماده میسازد اما معلوم نیست چه عاملی عت میشود که هفده هشتاد اسم نویسی بچه ها ، والدین چاره باید پشت در مدارس بمانند و یا برای زورچیان کردن گر گوشه های خود در مدارس به شیوخ محل متوسل شوند از طوطی آنها استفاده کنند و بایه این احوال باز هم دست از پا از ترس مرگ اندازی گذاشتن بچه ها در مدارس غیر دولتی دست در کار فروش با گر گذاشتن طشت و سبزه پایی به خود بزنند

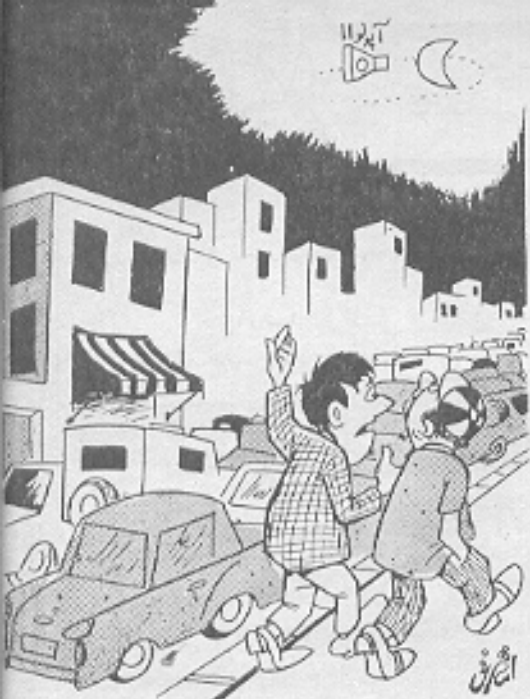
بقایه کاکا این مسئله هیچ علتی جز بی خبری و اندین بیواند هاست، باشد و عبارت دیگر چنانچه اولیای نوباوگان نیا روزنامه بخوانند و از حدیث « آماده بودن مدارس ای پذیرفتن شصت هزار دانش آموز جدید » مطلع شوند رفتن دست کودک خود را میگیرند و به اولین مدرسه محل میرند و میگویند این هم جزء آن شصت هزار دانش آموز پذیرفتن است که شما آمادگی پذیرفتن را دارید ! الا والله که

باید اسمش را بنویسد !
در آنصورت نصف قضیه که اسم نویسی کودک در مدرسه باشد حل خواهد شد و فقط میماند جا برای نشستن این دانش آموز جدید و معلم برای پاساورد کردن این آقا کوچولو دختر خانم که آنهم مسئله مهمی نیست چون اگر يك مدرسه جا برای نشستن دانش آموزان جدید و یا معلم برای تدریس آنها نداشته باشد سرنوشت قضیه را يك چوری هم میسازد و فی الحال به آنها میگوید چون جا معلم نداریم شما یکروز در خانه بمانید و بعد سره نیاید و یکروز هم تعطیل باشید تا به بهین چه پیش میآید !

و بدین ترتیب کودک نوآموز هفته ای هفت روز در خانه بماند و بعد سر فرصت درسهای را که آقا معلم ها داده اند از هماغردیدهای خود میپرسد و در مخیله خود جای میدهد !! پس با توجه به مراتب فوق باین نتیجه میرسیم که در امر آموزش عمده مطلب « اسم نوشتن بچه ها » است ، والا نشستن در کلاس و یاد گرفتن درس از معلم ، مطلب قابل توجهی نیست !

یک دهاتی روشن بهتر آورده بود . مرد کلاشی روغن او را به قیمت پانصد و چهل تومان از وی خرید ولی هنگام پول دادن چرتکه برداشت و گفت من پانصد و چهل تومان پانصد و هشتاد و تو هم پانصد و چهل تومان از من طلبکار باین حسابی با هم نداریم !!
مرد دهاتی فکری کرده و گفت : حساب تو کاملاً درست است ولی نمیدانم روغن های من کجا رفته !!

جایی که برای مدرسه رفتن نوباوگان کرده اند کاملاً درست است (۱) فقط معلوم نیست که این شصت هزار دانش



«آپولو» به‌ماه سفر کرده

پیاده‌اولی به دومی - با اینهمه وسیله تقلیه، ما باید به خط ۱۱ «بریم سر کار و برگردیم»

بلیت سه‌زاری

بموجب یک طرح تازه، قرارداد بلیت‌توبوس هم به میمنت و مبارکی گران شود! سابق بر این که بلیت اتوبوس ۲ قران بود، رندان آنهمه از درآمد شرکت واحد باطلند کردند... حالا که می‌خواهند ۴ قرانی بکنند، معلوم نیست چه بلایی سر بودجه شرکت زائد خواهد آمد!



مال‌التجاره

شندم کرده‌ای شوهر دوباره به خریولی زمخت و بی‌قواره تجارت می‌کنه بابات مزیم تولی در دست او «مال‌التجاره» (ج- پاره)

عطاکن

خداوند! تو دردم را دوا کن مرا از چنگ دکنرها رها کن بجای شربت و آمپول و کپسول هفتش تا سونی اسکن عطاکن (درمک چقدر)

حقوق

ایا دختر که بابایت وکیل وکیل شورها، از اردبیل بوه پولدار، بابای تو، اما بعکس او حقوق من قلیله (آقای محمود)

بیمینم

لب دریا برم ساکت لنینم که یار از داو در آیدم بیمینم برای پیش چرونی، ازده دور دوتا لیموی او را برگزینم

دکتر برای خنده

سینما - رادیول - تله‌ویژون..



افتخار

بقرار اطلاع عمل گوگوش «خواننده جادو - جنجالی!» که بین چندین هنرپیشه «مادینه ایرانی» توانسته دست زیر بفل «آلبانو» انداخته و با او عکس بگیرد و روی جلد «مجله جوانان» چاپ کند باعث افتخار شوهرش گردیده و شوهرش به گوگوش گفته از اینکه توانستی زیر بفل آلبانو را گرفته و با او عکس بگیری من بوجود تو افتخار می‌کنم! «بهرام»

گاو

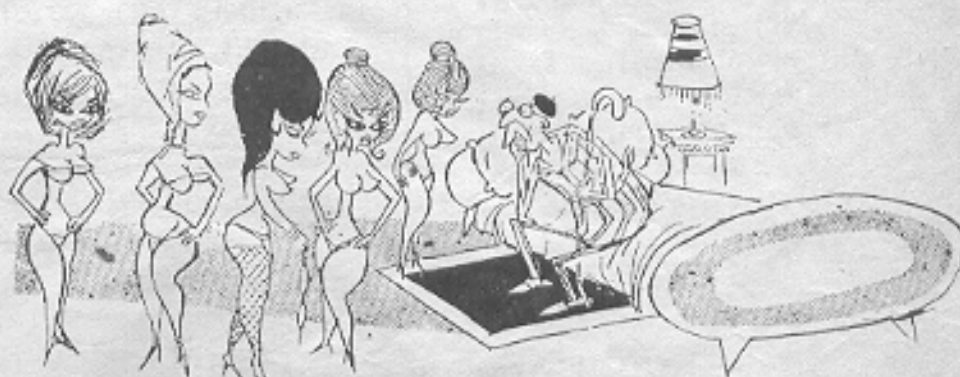
فیلم «گاو» که براساس یکی از داستان‌های «غلامحسین ساعدی» ساخته شده، دچار اشکالات فنی گردید و از نمایش آن تا اطلاع ثانوی جلوگیری شد. ناظران هنری اظهار عقیده می‌کنند: گاوی که در فیلم مزبور می‌بورد، ممکن است بعلت بیماری تازه ای باشد که بین گاوها شیوع پیدا کرده است و همین موضوع سبب شده برای حفظ تندرستی تماشاچیان محترم نمایش فیلم به تعویق بیفتد! «مرداد»



فیلم هفته:

آخرین سکه!

فرستنده سوز: رفعت نیا



کارگردان - خیلی معذرت می‌خواهم، من دیگه اون توانائی سابق را ندارم که از شما ستاره‌های مشهور بپازم!

سنگین ترین ستاره!

در محافل هنری، خانم «ثریا بهشتی» یا به عبارت دیگر «وینامین فیلم‌های فارسی!» بعنوان «سنگین ترین» ستاره وطنی شهرت دارد. از آنجا که ثریا خانم در اغلب فیلم‌های فارسی لغت و پتی ظاهر می‌شود ممکن است عده ای او را بعنوان «سنگین ترین» ستاره قبول نداشته باشند در حالیکه این موضوع عین حقیقت است چون طبق یک محاسبه دقیق، ایشان حدود صد کیلو وزن خالص دارند که هیچ ستاره دیگری پای او نمی‌رسد! «ملاپوئیس»

اشتباه لپی!

در حاشیه دعوی الهه و گوگوش خبر زیر را هم از کیهان بخوانید:

در این هنگام که الهه و گوگوش در خیابان آقاولی در برابر هم ایستاده بودند و از یکدیگر به آفسر پلیس شکایت می‌کردند، صابر آتشین پدر و هسر گوگوش و همچنین تاخت جنت با کرم‌ناسی کردند تا سرانجام با وسعت آنها

— گناهی کردن خبر نویس کیهان! —

سگ را دم قصابی می‌کشن!

در این هفته فیلمبرداری فیلم «گربه رو دم حجله می‌کشن» پایان پذیرفت، انتظار می‌رود که بلافاصله فیلمی هم نظیر این فیلم تحت عنوان «سگ رو دم قصابی می‌کشن» ساخته شود. «نازک نارنجی»

نکته هنری

□ یک ساعده ایرانی وقتی می‌تواند هنرش را بنحو احسن بروز بدهد که در [فیلم، نقش «دانه هوا» را بازی کند]

(م - شیدار)

ان فروشی عبوه و تره بار و نرخ نان در جلسات انجمن شهر مطرح شد،

لجاً که خبر داریم و داریم
بدی که موضوع شست و معطر
معطر کردن تنهای تنهای

عبدالرشید بزرگ از رفیع بجران خاورمیانه عاجزند ،

چه اوقات عزیزی که حروم شد
که خیلی میخورن آب بالا بالا
سر خر را از آنها کج نمایند
لپاقت جات این کارم نداشتند!

۳ درصد از محصولات کشاورزی به یک بادی وضع بسته بندی از بین می‌رود،

ز هم کرم خاوردار محصول پنبه را تهدید میکند ،

ادرات خرمای بعلی ، مختلف پیشرفتی فکری است ،

شده وضع هغه څي اړدم قاراشميش
ز ګرم څاردار آډ ډک پريشه
حريف هېچکډوم اصلا نفيشه

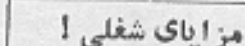
افراکسیون حزب اکثریت از اقدامات شهردار حمایت کرد، و آشی را که این آشپز پزیده! و رفته توی لاک خود خوریده تمام تعرش را خود نماید حمایت از او طبق مد نماید

دو پست نفر بدنبال سفر را کفلر در آرژانتین دستگیر شدند ،
 اما جمع باش که تصادها هزار کام اگر محقق گل روی عمو سام
 دستگیر و یا اعدام کردند بهر عنوان و با هر نام گردند
 آن زین رهگذر يك لحظه يك آن نیارد خم به ابروش ، را کفلر خان

« وصول مالیات آسان تر میشود »

از تنبان درآورند از پات
چنان دوشبخت که عقل شده مات
از زود حوصله از سر بدرشه
وصولش تازه میخواد سهلترشه

« ترقی کرایه مسکن از ۲۰ درصد تجاوز کرده است »
 « به صفر » و گذشته ها، هدا از جلوش رد
 اضافه کن بوش صفری تا زوده
 همین و السلام من دیگه گندیش!



ناظران سیاسی
پیش بینی می کنند که ممکن
است «اوس عباس» بعنوان
نماینده «ادام العمر» مجلس
شوریا انتخاب شود.

علت این انتخاب
اینست که مقامات مجلس
میخواهند «اوس عباس»
همیشه در مجلس باشد تا
برای «دزد گرفتن»
حرفها در موقع مقتضی از
وجود او استفاده کنند
و شرم»

در روز ۳ هزار تن میوه وارد بارفروشها می شود ، - اطلاعات
زن به شوهر - بمینیم ، از ۳ هزار تن میوه همین چهارتا تخیار بادارده
بقو رسیده ۱۹

توی سوراخ سومبه‌ها!

بعد از دعای الهه و گوی گوش در مجلس عروسی

۹۔ امشب کچا دعوت داری ؟

- عروسی پر خاله مه ، به صرف شام و تعاشای بز بزن

الہیہ و کوکوش دعوت دارم !

بعد از فرود آمدن انسان در ماه

رئیس مجلس - کره و ماه، واسه چی میخوای ببری؟

و کابل، ماه، شهر - میخوام به حوزه انتشاریهام سر بزفم!

بعد از حنجال ط. فداران شعر نو و کهنه

— ما نفهمیدیم تو دیگه چرا از شعر نو طرفدارای میکنی؟

— آخه قریونت برم، ما کفشمون که کهنه‌س، لباسمون هم که

، بذار اقلا شعرمون و نو، باشه که د کهنه زدگی، پیدا نکنیم!

بعد از گرمای هوا و شاد شدن اسفالت خیابانها

— دهه اصغر آقا، چرا آوی این گرما وسط خیابون زیر

آفتاب و ایادی ۹

— چیکار کنم ، باهام تو اسفالت خیابون فرو رفته فرستادم

عقب جراثقال ا

بعد از سروصدای جلوگیری از مهاجرت شهرستانیها
به تهران

دھرمپونی اولی - جعفر خان ، تھرون رفتنت چٹاوردھ

شهرستونی دومی۔ ہیچی ، ہمت کارہا درست شدہ : فقط

کی پاسپورٹم آحادہ بشہ بعد ہم بیرم (سفارت تہران) ویز

« دو قلو



۱ - خوب به ریش همه‌شون خندیدیم ها !..

❑ صفر شنبه :

مقدار دویت سیصد کیلو خاک خالص که به همت ساو مان آب و شایدهم شرکت برق یا تلفن — در براده روی خیابان شاه آباد جمع شده ، عابران را به شدت ناراحت کرده است . مقامات شهرتاری پایتخت اکراین خاک را جمع آوری کنند ، کار مهمی کرده اند که اذ نظر عابران این خیابان ، از جمع آوری و حمل خاک کره ماه نیز مهمتر است .

❑ یک شنبه :

در ساعت ۱۰ و بیست دقیقه شب شنبه ، گوینده تله و زوژون میلی برنامه ای را که اجراء می شد ، قطع کرد و به اطلاع « تماشاگران محترم » رساند که « هم اکنون ، نواری از آپولو به فرودگاه مهرآباد رسیده که به محض وصول ، پخش می شود . » ده دقیقه بعد ، عیناً همین خبر را تکرار کرد . نیم ساعت بعد باز هم تکرار کرد . سه ربع بعد باز هم تکرار کرد . مخلص ترجیح دادم بخوابم و منتظر نوار تمام . چرا که حساب کردم و دیدم برای دیدن یک نوار ، همان مدتی را در انتظار بوده ام که آپولو - ۱۱ یکبار سرتاسر کره زمین را دور میزند !

❑ دوشنبه :

همان چهره هایی که همراه صدراعظم به بندرعباس رفته بودند در سفر سیستان و بلوچستان هم همراه نخست وزیر خواهند بود . اهالی سیستان و بلوچستان میتوانند از همین حالا از اقداماتی که این هیئت برای آنها انجام خواهد داد مطلع شوند . راهی اینست که چراید یک ماه قبل را مطالعه کنند ، هر وعده ای که به اهالی بندرعباس و توابع داده شد ، به آنها هم داده خواهد شد !

❑ سه شنبه :

اعتراض آقای « چاخان هیر » عضو فراکسیون پارلمانی « حزب اینارو بهین » به ریش و پشم شعری نوپرداز ، موجب بحث و گفتگو در محافل و مجالس مختلف شد . ولی امروز این بحث عملاً پایان یافت و آقای چاخان شیر هم علی الاصول باید حرف خود را پس گرفته باشد . چون صدراعظم عسلی اعلام کرد مسائل عمده کشور ما سمینار کلفت و نوکر یا ریش و پشم جوانها نیست و به تجربه ثابت شده که برای یک نماینده مجلس حرف نخست وزیر از صدتا استدلال منطقی هم بیشتر ارزش دارد !

❑ چهارشنبه :

شیوع وبا در « کشور های همجوار » ، موجب شد که وزارت بهتاری به حال آماده باش درآید . ما نمیدانیم آماده باش بهتاری چه شکلی دارد ، ولی این را میدانیم که بهتاری اگر بخواهد جلوی وبا را در هرزبگیرد ، باید اولاً مرزهایی داشته باشیم که در و دربندانی داشته باشد و ثانیاً در نقاط مرزی وسایل کافی داشته باشیم ... و این نقاط همان جاهایی هستند که اهالی آن سال تاسال رنگ دگر و دوا را نمی بینند چه رسد به وسایل جلوگیری از وبا .

❑ پنج شنبه :

مدیر عامل شرکت زالد گفت : چاله چوله های تهران اتوبوس های قراضه شرکت را قراضه تر کرده است . لابد مقامات شهرتاری هم جواب می دهند که اتوبوسهای زالد ، خیابانهای درب و داغان تهران را درب و داغان تر کرده است . بیچاره ملت که باید هزار جور عوارض طاق و جفت به شهرتاری بدهد ، ساعتها توی صف بماند و بغاطر ده قدم راه ۲ قران به کوبه شرکت زالد بپردازد .. و آنوقت خیابان و اتوبوس که ندارد هیچی ، این حرفهای صدمین یکگاهی را هم بشنود !

❑ شش شنبه :

در تهران طی یک عمل جراحی ، لگن خاصره یک نفر را عوض کردند و بجایش لگن خاصره مصنوعی گذاشتند . چشم چرانهای محترم متوجه باشند که از این پس کلاه سرشان نرود ... چون اخیراً حتی اسکلت پستی « سکس » هم کم کم دارد بصورت « مصنوعی » درمی آید !

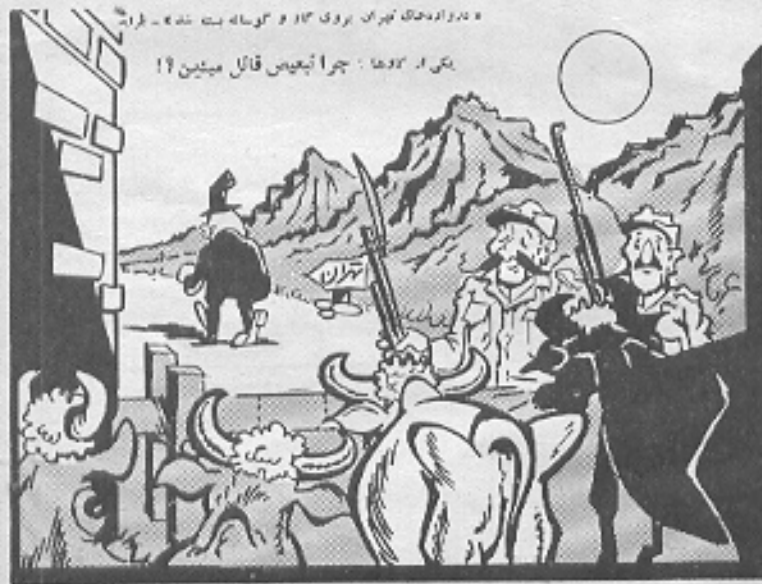
❑ کردن شکسته ،



« فنانوردان نمونه هایی از سنگ ریزه های ماه را جمع میکنند ، آمیرا - اینا واسه چی سنگ ریزه از رو کره ماه جمع میکنن ؟ بادمجون - واسه به قل دوقل بازی کردن . »



روز های اول روزنامه ها جریان محاکمه متهمین شرکت واحد را با آب و تاب نوشتند ، ولی دفعتاً خاموش شدند . بدون شرح !



جایزه جدید !

طبق بررسی های دقیقی که بعمل آمده در حال حاضر جز « خاک ماه » هیچ کالایی در کره زمین وجود ندارد که آن را جایزه قرار نداده باشند از این رو مؤسسات جدیداً آنیسی که میخواهند پخیرداران کالای خود جایزه بدهند چاره ای جز این ندارند که از « شهریه مدارس » استفاده کنند و پخیرداران کالای خود معادل یک ماه « شهریه مدرسه » جایزه بدهند ! بدیهی است چون پرداخت شهریه یک مبتلا به عمومی است خیلی زود طرف توجه قرار خواهد گرفت !



❑ ضدضربه



گفت: آورده‌اند در آبگیر مجلس دودبده بنام «عصائی» و «پبازی» و «سنگ پستی» بنام «دوکیل» ساکن بودند، ناگاه دست روزگار لا کردار کرده، فارقت در میان ایشان افتادند روزی بطلان بنزد سنگ پست آمدند و گفتند می‌خواهیم سفری به جنوب کنیم سنگ پست از درد فراقی بنالید و عرق از چهره بیارید و گفت مرا تاب دوری شما عزیزان نیست و باید مراهم با خود ببرید گفتند: می‌توانیم گفت توانید گفتند: اگر خواهی که ترا ببریم شرط اول آنست که چون ترا برداشتیم و در هوا اوج گرفتیم چندانکه «ملت» را چشم بر ما افتد و چیزی گوید سکوت اختیار کنی و لب نکشایی گفت: فرمانبردارم ایشان «عصائی» دراز بیاروند و سنگ پست میان آن عصا را چون ران مرغ کبابخانه مجلس محکم بدندان گرفت و بطلان از دوطرف عصا را برداشتند، چون اوج گرفتند «ملت» را از کار ایشان شکفت آمد و با اتفاق «کاکا» بن توفیق «دو تالمی سنگ پست را» دور کردن بی‌اغایندند لذا سنگ پست ناراحت شد و بالاخره تاب نیاورد خواست:



قطعه:

سر تو خواهی ز او ج‌پست و مقام
نشوی ساقط و نیسالی زیر
از برای دهان بی صاحب
نخ و سوزن بدست خویش بگیر
(ابوطیاهر)



دهویدا گفت ما از لحاظ مینی ژوپ عقب افتادگی نداریم، باده‌جون، چرا عقب افتادگی نداریم... نگاه کنید چهل پنجاه نفر افتاده اند عقب يك نفر!



«نی نی کو چولو»
روغن کله پاچه
ریش سفید و کیلون
چدا ز مثنی ملت
غذاش چلو کبابه
نم کشیده سوادش
کار بلده! نه اصل!
چفت میز ندر و کرسی
«عقوق او کدونه
راضیه از پیساری
م گرفته کاخ و ماشین
نه فکر موشت و نونه
جلوش بذاره از دم
میکنه فوری تصویب
صب لاغروب میخنده

«کچل کچل کلاچه
کچل کپه! بادمجون
صاحب پول و ثروت
درسشو فوت آ
رسیده بر مرادش
نوش بود تو روغن
صب که میاد با ارسی
ساکت و بی زبونه
هست بنکسر بسازی
وضع او شسته تأمین
راحت و در اسونه
هرچی که صدراعظم
از روی نظمو ترتیب
چونکه شده براده

«وکیل مدافع آزدم گفت: موکل من قربانی دسته بندی شده است»



دسته بندی!



صندوق شکایت مردم

شهرتاری خوابش برده!
در حالیکه سروصدای مبارزه با گرافروشی بلند شده و شهرتاری به خیال خودش نرخ اغذیه را «تثبیت» فرموده، در کافه «قناری» تهران، يك پسی کولا را ۲ تومان می‌فروشد که با دو قران سرویس، میشود ۲۲ قران! مخلص بعد از نوشیدن يك پسی کولای ۲۲ قرانی، شمر زیر را گفت که جهت مزید اطلاع جناب شهرتاری انتصخابی، امر به درج فرمائید: گذر کردم سوی کافه «قناری» بخوردم من به پسی شیش زاری طلب کرد تا از من بپست و دو زار کاکا چون پس چیکار من شهرتاری؟ «آق محمود»

و اما جواب کاکا:
مکن ایدوست دیگر آه و زاری
مپرس از من ز کار شهرتاری
که زیر سبند نیلوفری فام
همیشه بوده کارش بی بخاری!



عذر
یکروز «عزیز خان» کمک دنده توفیق داشت دهائی را که روی میز «کاکا» بود، زهر و دو دنبال چیزی می‌گشت. «کاکا» که از کار صپ کرده بود پرسید:
«عزیز خان، چی می‌خواهی؟ و «عزیز» اسله خودش را کنار کشید و پاسادگی جواب داد:
«عذر می‌خواهم!»

جواب
«گل مولا» در جلسه هیئت تحریریه سوژه ای کرده بود باین مضمون:
«در محاکمه متهمین شرکت زائد کاکا بلند شده یکی از متهمین می‌گوید که جواب دادگاه رو...»
جواب خدارو چی میدی؟
و مرتب با فشاری می‌کرده که حتماً این سوژه صپ و چاپ شود. «آیدردک» وقتی اصرار مولا را دید گفت: «گیرم که این سوژه تصویب آپ هم شد، جواب خواننده هارو چی میدی؟!»

آپارتمان نوظهور!
«شنیدی دو جنوب شهر می‌خوان آپارتمانهای ن قیمت سازن؟
«آره، حتی میدونم که قیمت شون از هفت هشت تومن تجاوز نمیکنه!
«چی دارم میگی؟ يك آپارتمان هشت هزار تومن؟
«آخ تیر آهن هاش چوبیه سنگ های روبناش
آشپزخونه اش هم قاطی اطباق خوابه، ولی راحش میافته تو اطباق نشیمن!» «ضدضربه»



موجب طرح پیشنهادی شرکت نفت بلیط خطوط بورسائی ۳ رمال باید بشود... - جراید مدیر غافل - شنیدی کاوشناهای شرکت رفت گفته اند بلیت اتوبوسها باید سه زار بشه؟ کاکا... سه و سه بار که به و نه بار غلط کرده!



«بزودی مردها نیز مینی ژوپ می پوشند.» - جراید بدون شرح!



تره به تخمش میره ، ابولی به باباش!

المان از حشرات



امشی و د.د.ت. را نیست، تو گویی اثرات
المان از حشرات
حشراتی که بود موجب صدها خطرات
المان از حشرات
شب بگذشته من از نیش کک و پشه و ساس
رفتم از هوش و حواس
اوقتادم چو یکی هست به حال سکران
المان از حشرات

نیش آنها بدر آورد ، به پسر پدرم
آخ سرم، آخ کمرم
عرق از چهره من ریخت، به حال قطرات
المان از حشرات
پشه زد نیش با دست و سر و بر لاله گوش
رفتم از درد، ز هوش
سای زد نیش، به بازو و ستون فقرات
المان از حشرات
صف کشیده است توی خانه ما سوسک سیاه
داده تکمیل سپاه
هست تکمیل ، زحمت ادوات و نفرات
المان از حشرات
من پرچانه ز آزار کک و ساس و مگس
اوقتادم ز نفس
پاک بیچاره هدم بنده ز دست حضرات
المان از حشرات

فاکتور ینگ!

حوزه های مالیاتی تهران به مؤدیان مالیات اخطار کرده اند که اداره مالیات بخونه مخارجی را قبول خواهد کرد که دارای فاکتور باشد. فی المثل اگر یک مؤسسه در روز یکریال ینگ بخرد باید از فروشنده فاکتور بگیرد. اینک با توجه به مطلب فوق به کلیه فروشندگان ینگ اخطار می شود که هر چه زودتر مقداری فاکتور چاپ کرده و ضمن معامله در اختیار خریداران بگذارند و نیز خود آنها هم موظفند از کاغذ فروش و صحاف و چاپخانه ، فاکتور بگیرند و الا مخارجی که برای تهیه فاکتور ینگ متحمل شده اند مورد قبول واقع نخواهد شد.

(شکرشکن)

معالجه!

«مردی دست چپش شکسته بود ، در بیمارستان دست راستش را کج گرفتند» - جراید

مریض - آقای دکتر دستم بدامت، دندونم شدت درد میکنه. به فکری به عالم بکن.

دکتر - غصه نخور، دستور دادم الان پرستار بیاد انگشتهای پاتو پانسمان بکنه!



یار سیمتی!

باغ و گل و سبزه و چمن، یعنی این
تیلوفر و یاس و نسترن، یعنی این
کردی تن و روی خویش را سیم کشی
شک نیست که یار «سیم تن» یعنی این!
(زلبور)

نامه های خوانندگان



کاکای عزیز:

در توفیق شماره ۱۲ مشاهده کردم عکس از کره ماه چاپ شده بود و کنار شنبه نمایندگی توفیق کره ماه با خط ریز نوشته شده بود «شب جمعه دوچیز یادت نره، خواستم از شما خواهش کنم با همان وسیله ای که توفیق را به کره ماه می فرستید به «داداب» هم بفرستید تا شب جمعه بدست ما برسد» «معناد به توفیق: ن - حقیقت»

جواب: با وضعی که پستخانه مبارک دارد، اگر می خواهید شب جمعه توفیق بدستتان برسد راهی ندارید جز اینکه شاهم به کره ماه بروید!



حضور محترم هیئت تحریریه توفیق

می خواهم پیشنهاد کنم که:

اولا: انتخابی از اشعار چاپ شده در توفیق بعمل بیاید و بصورت کتاب توفیق منتشر شود.

ثانیا: عوض اینکه به مادرزن حمله بکنید قدری هم به دامادها بتازید. «مادرزن»

جواب - اولاً: از پیشنهادی که درباره تیردآوری بهترین اشعار چاپ شده در توفیق داده اید بی نهایت ممنونیم. این موضوع را به کاکا می گوئیم و نتیجه را به اطلاع می رسانیم.

ثانیا: ما فقط از مادرزنهایی انتقاد می کنیم که آمده های خوبی نیستند. البته اگر شاهم از دامادهای بد انتقاد خوشمزه بکنید، حتماً چاپ خواهیم کرد.



تذکر - محض حفظ سلامت چشم مخلص هم شده، لطفاً نامه های خود را خوشخط تر و مختصر تر بنویسید!

(ابو عیاره)



■ - یکی از نواایج جدید الولاده سید ا
د س - سام « از ردیل است که یکشبه ره سداله
رفته و در اولین اثر خود چنین پرت و پلا عرض
فرموده است :

یهلوان هاعرانم باقلم سنگین خود
کله مخاقتین را ینکو وایگون میکنم
ای سید میرزا اگر این شعر ادرج کنی
لاجرم از اشک چشمم گیتی را جیحون میکنم
سید میرزا - چون دفعه اولت بود می بخشمت ولی
اگر تکرار کنی گاری میکنم که گیتی را جیحون
کنی منتهی نه از اشک چشمت ...

■ - « نادار الوجود الشعراى كلات » نه اسمش
شبه اسم آدمیزا است و نه شعرش شبیه شعر :
ایها الناس مرا مادر زنی است شصت ساله پیر
که نعرش بیاشد (!) بهافند شور !
ندانم کجا من فرار کنم از دست او
پاور کن که همیشه بیاشد (!) یک چوب درخت او
سید میرزا - قریون دستش ، مگر همان چوبش
بالای سرت بیاشد (!) تا دیگر از این چرندیات نکوی !
■ - منکه بالاخره نفهمم دم مقصود و اشرف
مراد خانم ، از سر هم کردن کلمات زیر ، سرودن
تصنیف بوده یا گفتن شعر نو ، یا هیچکدام ، پاهر دوا
شما بخوانید شاید بفهمید :

مجلس مجلس مجلس	ای مجلس سرور
جای خنده و شادی	مجلس پرشور
در تو وقتی هستم	راستی که خوشحالم
آری خود را با تو	خوشحال می‌باشم

سید میرزا - منم خود را با تو خوشحال می‌بینم
بشرطی که برایم شعر نخوانی .

■ - « علی صامت » این دفعه رفته تو کوک چراغهای
راهنمایی سر چهار راهها و نوشته اگر این چراغها
زبان داشتند اینطور با اتومبیلها صحبت میکردند :
چراغ سبز : یا الله برو - یا الله برو
چراغ زرد : آهسته برو - آهسته برو
چراغ قرمز : اگر مردی برو - اگر مردی برو
سید میرزا - اگر مردی بیا - اگر مردی بیا
(البته پیش مخاس تا بهت حالی کنم) .
■ - نایبه تر از شمراى سید ، کارتونیستهای
آن میباشند و نایبه تر از همه کارتونیست های سیدم
د س - اسدی ، از اردبیل است که نمونه ای از کار
هایش را در زیر مشاهده میفرمائید :

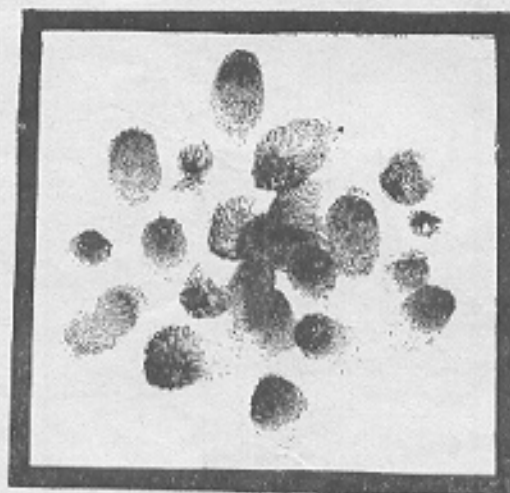


سید میرزا - بعد از این آدم سرکش ، به یک آدم
دگوش کش ، هم احتیاج داریم ... البته برای اینکه
کشاکش کنیم ...

متخصص آب و برق

وزیر آب و برق گفته : اگر خانمی
متخصص آب و برق باشد ، بدرد
وزارتخانه ما می خورد .
وزیر آب و برق باید بداند که
در بین خانم ها ، متخصص برق اهدا
پیدا نمی شود ... ولی متخصص آب و
رنگ و دوزق و برق تا دلفان بخواهد
در بین خانمهای این دوره و زمانه
وجود دارد !

يك عكس مستند



... عكس فوق با وسائل عكاسی بسیار دقیق عكاسی
توفیق از دامن يك خانم مینی ژوپ پوش ، که برای
يك لحظه از كوچه بران عبور کرده گرفته شده است !

چرا کند گوئی

« حافظ حدیث سرو و گل ولا میرود »
« خط صدوسی و سه سوی ژاله میرود »
« رضامیری »
« آن سیه چرده که شیرینی عالم با اوست »
« روی او خویش از صورت جینا اولوست »
« ا - محمودی »
« منم که گوشه میخانه خانقاه هست »
« سواد و علم ندارم ، کاکا گواه هست »
« باهمچون »
« ده روزه مهر گردون ، افسانه است و افسون »
« باید بخواب بینی ، دیگر توجنس ارزون »
« شیخ ملت »
« دهر سرموی مرا با تو هزاران کار است »
« زندگی جان تو امروز بی دشوار است »
« مهدی اسفندی »
« درین چمن گل بیخار کن نهید آری »
« سه سال رفت و فراهم نشد مسرا کاری »
« دینچه بیکار »



د شمیران با بسم الله باید
ره تلفن گرفت . اطلاعات

— این تلفنها با « بسم الله » راه نمیفته ،
« فاتیحه » باید واسهش خوندا !

— نکته هائی درباره :

گاو میری !

از روزی که بیماری طاعون بین گاوها شیوع پیدا
ده ، تغییرات زیادی در زندگی مردم ایجاد شده
به ذکر چند نمونه از آنها می پردازیم :
□ در زندگی فقرا تغییر ریخ نداده ، برای
یکه آنها هیچوقت لب به گوشت نرده اند !
□ از ترس اینکه آبگوشت را ممکن است با
وشت گاو درست کنند ، فردین مدتست در قیامها
زی نمی زند و این امر به فروش فیلم هایش لطمه
زادی زده است !

□ گاو بازهای اسپانیا از شغل خود استعفا داده اند .
□ کتاب « طاعون » آلبیس کامو فروش فوق العاده ای
رده است !
□ عده ای از رجال « واکنس » زده اند !
... و هزاران نکته دیگر که خودتان هم می توانید
دس بزنید .



نخست وزیر فرانسه در روز اول
نخست وزیری عسوارش پاره شد
اوس عباس - قربان اسمع اجازه بدین از این
به بعد با بسوزن و زخم دلفان راه رفتند

تا مردم باشند ، دیگه برق شبانه
روزی نخواهند!

اهالی شهر «مرزخانه» تا موقعی که برق غیر
شبانه روزی داشتند قدرش را نمیدانستند، هوس برق شبانه روزی
به سرشان زده و دائماً به مقامات مربوطه اعتراض کردند .
مقامات مربوطه هم برای آنکه جواب پافشاری مردم را به
نحو احسن داده باشند ، با تقویت موتور ، شهر مرزخانه
را صاحب برق شبانه روزی کردند ...
... و حالا برق این شهر بطور شبانه روزی خاموش است!
«مرزخانه : افشار»



اگر شاهزادای «داروی رایگان» را که در درمانگاه
ی دولتی به مرضی اسلام داده میشود نمیدانید ، لطفاً
باشناختن زیر را که بر اساس رویه «مرکز بهداشت بندرعباس»
شده شده بخوانید :

آقای دکتر بدون رویوش مخصوص ، با یک پیرهن
رون یقه باز ، پشت میز نشسته و یکی یکی مریض هارامی پذیرد .

چند مادر !
- خودم چیزی نیستم ، اما بچهم دلش درد میکنه .
- بیا مادر ، به نسخه ابرات نوشتم ، به گره سفیده ،
زی سه دفعه تو آب حل میکنی میدی بخوره ، هشت تا هم
س سفیده ، روزی دوتا میخوره ، برو سلامت !!
- خدا عمرت بده آقای دکتر ، اصلاً این هفته دوا اهالی
هادی به چیز دیگه بود ، از قرصهای همیشگی خیلی بهتر بود
- متشکرم مادر نفر بعدی بیاد ...

تو چته !
- آقای دکتر ، اعصابم ضعیف شده ، شبها خوابم نمیره ،
ها ندارم .

بیا پس چون ، به گرد سفیده ، روزی سه دفعه تو آب
میکنی میخوری ، هشت تا هم قرص سفیده روزی دوتا
روزی ، برو سلامت !!

خدا! بشما عوض بده آقای دکتر ، اسم همیشه از این
های این هفته ای به مریضها بدی تا آخر عمر دعاگو
ند ، از دواهای همیشگی خیلی بهتره .

معنوا! سلامت . نفر بعدی !

(شرح فوق !)

نفر بعدی .

(شرح ایضا !)

دکتر تعجب میکند ، همه از دواهای این هفته تعریف
ند در حالیکه او از همان قرصهای صد تا به غاز همیشگی
مریضها نوشته . برای روشن شدن موضوع ، پیش مسئول
خانه میرود و میپرسد :

فلانی ، همه میگن دواهای این هفته خیلی مؤثر تر
بقی بود ، موضوع چیه !

مسئول دواخانه من و منی میکند و میگوید :

راستش آقای دکتر ، به هفته سی که دواهامون تنوم
من هم برای اینکه مریضها دست خالی نرن ، گچهای
رو میتراشیدم و عوض قرص و گرد دست مریضها میدادم!

بندرعباس «خبر فرست : حسینی»



آلفنجی : نازک تاریخی

الومرکز ، بورا دتیریز ، دی قارداش
بله چخ خیطه وضع سینما هاش
بلیط سینماش داده شماره
ولیکن کنسرتل اصلاً نداده
آخه کیمیدی دینن مشول بواش
دلخون شد از این وضع قارداشیش
د ن - قاراخلو ،

♦ ♦ ♦

الو مرکز ، کاکا اینجاست دهاوان
زدور میبوسمت ، میکیمت گاز !
خیابانها لجبازم است دائم
ولیکن شهرتاری گذشته قائم !
حساب این خیابونها بود پاک
که یا باشد لجن یا گرد و یا خاک
« مرغ سیاه برغن »

♦ ♦ ♦

الو مرکز ، چسان مسدلی قر
دفا ، مرکز ندیده رنگه دکتر
چشان بهتاری ما بی بخاره
که حتی قرص اسپیرین نداده !
د م - دهقان ،

♦ ♦ ♦



الو ، ای شاکیان دور و نزدیک
مگه کفگیرشون خورده ته دیگه
نمیدونم چرا از غرب تا شرق
مگه دارین همه از خیطی برق
میون این همه درد بی درمون
فقط ناممیزنین از گوشت و از خون
میدونین که ، توی این ملک ، مشکل
فراونه همیشه مثل مشکل !
بقدری مشکل اینجا برقراره
که آدم واقعاً شاخ درمیاره
فرستین بعد از این اخبار خوشگل
ر شهر خویش از انواع مشکل!

سرعت زیاد استقبال از مرگ است !
لوله کشی آب آشامیدنی و خوانسار ، بیشتر از سه سال
است که معطل دوتا چاه به عمق چهل متر است ، هرچه
روز یکبار سه چهار نفر میآیند دوتا کلنگه میزنند و تشریف
میبرند . بمبارت دیگر از آن موقع تا بحال برنامه حفار
روزی سه سانت هم پیشرفت نکرده و مأمورین مربوطه نشان
داده اند که به قدر مورچه هم سرعت ندارند چون اگر
روز اول حفار چاه را بعد از مورچه ها گذاشته بودیم تا حالا
تمام شده بود !
(خوانسار : امیری)



« هویداد بندر لنگه رئیس انجمن شهر گفت :
- اگر ساختمان میدان بلوار این شهر را بپایان
فرسانی دیگر به بندر لنگه نخواهیم آمد ،
اهالی - این تن بمیره آموش نکن !

عوضیات !

معلوم نیست چرا هر کاری توی ولایت ما (چهارم)
مرض میکنم (صورت میگیرد) عوضی از آب درمیآید
آخرین شاهکار عوضی که در چهارم پدید آمده پلی است که
بر روی رودخانه شهر ساخته اند و آب بجای زیر پل از
روی آن رد میشود !
بفرمائید مردم و وسائل نقلیه با این پل چکار کنند !
« چهارم : م - صحرالیا »
کاکا - از زیر پل رد شوند !

يك پیام برای آقای انزلی از رضاییه :

برادر من ، از اینکه مردم دور يك خانم مینی ژوپی
حلقه زده اند و تماشايش کرده اند ، تعجب کرده ام و جریان
را با تسلیل برای ما نوشته ام ، اگر در تهران بودی و
روزی هزارتا از این مناظر را میدیدی که اهالی فقط به تماشا
اکتفا نمیکندند و از گوشه کنار ناخنک میزنند چکار میکردی ؟
داشتی مگر جریان قوی جملی بادت هفته ۱۴

بایاتی لار ! رجوده اوشانی

نار دانیسی تاریشدی
منشیم قلبیم یاریندی
هر نه پول وار ، ماشین وار
بونین ، یوقوتلاریندی !

□ □ □

موی آلتیما گیریدی
شالوار بیی جیریدی
ماشینین صندلی سی
لاپ اییبی قیریدی !



قدم بقدم با آپولو



همان با فرود آرام مدول ماهنشین بر سطح کره ماه، در یکی از محلات تهران هم نشسته گشتی بر سطح کره سر یک آدم متاهل که چهار و روغن نباتی زدگی شده بود فرود آمد! در این عکس، همان بابا، یک چشم دیگر هم قرض کرد، و سچمنی مشغول بر انداز کردن «مدول کله نشین» است.

سیزده ماه!

وکلای مجلس بخصوص اوس عباس و امیرزا و بادمجون پیش از همه از خبر ماه توسط بشر خوشحال هستند و غنیمت دارند با این ترتیب زمین صاحب سیزده ماه، امی شود و ما می توانیم سالی و سیزده ماه، حقوق بگیریم!

همچنین بدنیهال پرفسور بارفاره که اعلام کرده بود آماده است به ماه برود، پرفسور بادمجون نیز اعلام داشت آماده است به کره ماه برود، البته مشروط بر اینکه اول ماه باشد و آنجا حقوق بدهند!

فرود آپولو

بطوریکه کم و بیش اطلاع دارید آپولوهای آمریکا هنگام بازگشت در آقیانوس ها فرود می آیند و بعد به کمک فاکان های جنگی آنها از آب بیرون می کشند. روی همین اصل شهرتار تهران به سازمان فضائی آمریکا پیشنهاد کرده است که برنامه پرواز آپولو ۱۲ را به فصل زمستان موکول کنند تا سفینه فضائی آمریکا هنگام بازگشت بجای آقیانوس در یکی از چاله چوله های خیابان های تهران که پر از آب است فرود آید!

دهن به دهن با مردم!

این سروصدا کاسته شد!

تماس با مشاور فضائی صدر اعظم عسائی

نکته جالب در مسافرت سفناورد آمریکائی این بود که هر وقت سفناوردان احساس خطری مینمودند یا از نظرفنی دچار نقص و اشکال میشدند که حل آن توسط مهندسین و کارشناسان فضائی آمریکا دشوار بنظر میرسید مستقیماً با مشاور فضائی صدر اعظم عسائی تماس میگرفتند و مشاور مزبور بلافاصله آنها را راهنمایی میکرد و نقص موجود را با دستورات لازم برطرف می کرد!

آپولو و آمیرزا

در «کپی مجلس» گفته شد یکی از مهندسین فضائی «بسام آمیرزا» که از «آپول» و «آپولو» اطلاع کافی دارد، به سر مهندس پیازی، گفته است که بنظر من هم مشکل ترین کار پرواز «سفینه آپولو» موضوع «شمارش معکوس» است چون از دیروز تا حالا من صد دفعه خواسته ام از شماره ۹ تا ۱ را بشمارم و نتوانسته ام.

نقش هواشناسی ایران

طبق گزارش محافل فضائی آمریکا تعیین روز پرواز آپولو توسط هواشناسی ایران انجام گرفت است. باین معنی که دفن برآون و دره و شک های آمریکائی مرتباً با هواشناسی ایران در تماس بوده و از آنها وضع هوا را می پرسیده و وقتی پاسخ شنیده که روز ۲۵ تیر ماه هوا ابری و طوفانی است همین روز را با خیال راحت برای پرواز تعیین کرده است چون میدانستند که در آن روز حتی نسیم کوچکی هم نخواهد وزید.

«گل مولا»

استفاده از کتلت در کره ماه

چون احتمال می رفت کشتی سفناوردان در کره ماه در اثر برخورد با سنگها سوراخ شود و کار دست آنها بدهد. قبل از حرکت، تخت کشتی آنها را با کتلت های مهمانخانه های درجه ۱ تهران درست کرده اند که هیچ نوع آهن و سنگ بآن کارگر نیست.



در انگلستان: بعضی انتشار

خبر پیساده شدن انسان در کره ماه، دولت انگلستان تلگرافی از آرسترانک خواست کرد که اگر چاه نفتی در ماه گیر آورده، فوراً به امپراطوری فحیمه اطلاع دهد!

در اسرائیل: بشکرا نه پیاده شدن

انسان در خاک ماه، دولت اسرائیل تصمیم گرفت مقدار دیگری از خاک اردن را ضمیمه خاک خود نماید!

در فرانسه: ناقوس های کلیسای

لوتردام صددا در آمد و عده ای از فراندوی ها در کنار رود سن به خوردن شاه پانی پرداختند!

در ویتنام: بیت کنگ هسا

بشکرا نه این موفقیت بزرگ ۲۵ شهر و پایگاه مهم را به خمپاره و ملوله بستند... و سربازان آمریکائی مقیم ویتنام هم ۲۱ تیر توپ به طعنه بیت کنگها شلیک کردند!



در روز پرواز آپولو این خانم که یکی از تماشاچیان پرواز آپولو بود، به عنوان خوشحالی، هی دهانش را باز می کرد و می خندید تا دندانهای طلاش را به مردم نشان دهد!

از مسافرت آنان به کره ماه را در روزنامه توفیق میخوانند. چون خبرنگار مادر تمام مراحل چهارچشمی! مواظب اوضاع بود و هیچ نکته ای از نظر او مخفی نماند!

شعری الب

در آخرین لحظه پرواز شعری را که مطابق معمول خود بدفتر توفیق آوردند! این شعر چون واقعا اشکالاتی داشت اغماص می فرماید

دسته

از: اما جهان تیریز از فریاد و بانگ است نصایم نهجه ام را از منی وار بود همچون هونگی ماه سیمین فضا پیمای آمریکای به جرت جناب حضرت «برنارد لاول» رود «لوتا» اثر از جانب روس میان این «کالینز» و «آ

(۱) - البته منظور استاد



فصل از روزنامه کیهان در شب پرواز آژانس نصف صفحه اول آنرا اشغال کرده



شمار

در آخرین لحظه ای که روز رسید که شمارش اسکناس های حقوق موشک ساتورن در هفتاد و پنج آغا

کره ماه!

در آخرین لحظاتی که روزنامه زیر چاپ بود اطلاع حاصل شد که «بادمجون» پیامی تهیه کرده که به کره ماه فرستد. ولی این پیام بدست فضا نوردان نرسیده زیرا نامبرده آنرا پاپست زمینی به کیبب کندی فرستاده است! بهر حال متن پیام مزبور «برای اولین بار در تاریخ!» و «سبله روزنامه توفیق منتشر میشود»

«جناب مستطاب کره ماه!»

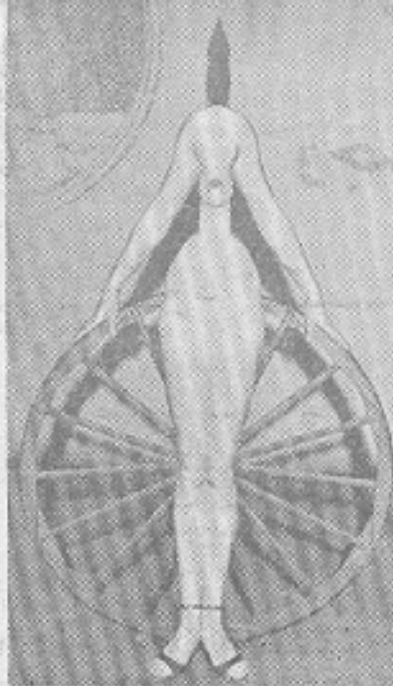
«قریان روی ماهت بروم!» این دستخط که بوسیله شوهرهای گاراج «آپولون» به حضرت هرفیاب میشود توسط این جناب که عبارت از «بادمجون جانشین رفسنجون - در مملکت مهر و صدا» آبرون فرستاده شده. باری، غرض از مزاحمت این بود که اگر مجلس شوربای کره ماه احتیاجی با استخدام وکیل مجلس! داعیه باشد این جناب در خدمتگزاری حاضرم و تعهد میبارم که در جلسات علنی و قبل از دستور! چنان قائم «صحیح است احسن» بگویم که صدای آن بگوش مهندس پیاپی شما که سهل است بگوش مهندس پیاپی خودمان هم برسد! گذشته از آن شما خوب میدانید که من پراثرترین و معمارست لریان این دو کلمه را از «مخرج صحیح» ادا میکنم!

البته فدوی در حال حاضر ماهی شهرار چوق حقوق میگیرم ولی چون همکلاسی عزیزم «آمیرزا» چند شب پیش خواب دیده که حقوق وکلای کره ماه ماهیانه شش من اسکناس بستک تبریز است! لذا خواهشمند است اظهار لطف فرموده نسبت با استخدام بنده اقدام فرمائید تا یک عمر دعاگوی «کره» مبارک باشم. و گام لواط تا ترا بر اینان تصویب کنم! در ضمن بنده قول شرافتانه میدهم اگر مرا بعنوان نماینده «رفسنجون کره ماه» انتخاب کنید، هژماه نصف حقوقم را بطوریکه سایر وکلا نفهمند دودستی تقدیم حضور انور عالی کنم! منتظر «آب فوری» چانه فدایت، باقی بقایت، هستم چشم براهت: «بادمجان!»

مالکیت ماه



امروز صبح دولت ترکیه طلی یادداشت شدیدی که به سازمان ملل تسلیم کرد اعلام داشت که کره ماه نه مال روسهاست و نه مال آمریکایی ها بلکه به دولت ترکیه تعلق دارد و دلیلش هم اینست که از چند سال پیش عکس ماه را روی پرچم خودمان کفیده ایم!



عکس دو تن از ساکنان کره ماه که برای اولین بار در «توفیق» چاپ میشود.

این عکس یکی از جنره های «ماه» دیده میشود. موجودات کره ماه با موجودات زمینی خیلی فرق دارند. اگر يك كاغذ سفيد توسط عكس آنها (بطور عمودی) بگذارید، چیزهای بهتری دستگیرتان میشود!



«سرد» یا «داغ»!

باسفر «آپولو-۱۱» این سؤال پیش آمد که کره ماه «سرد» است یا «داغ». این موضوع باعث شده که کارشناسان فضائی نظرات مختلفی برآز کنند. اما ماه شناس توفیق اظهار داشت که بنظر او ماه «سرد» است و نه «داغ»... بلکه «ولرم» است، چون تا بحال «ماه» هائی را که ما دیده ایم حرارتی در حدود ۳۷ درجه داشته اند!



↑ قایق ماه نشین ↑

بنابر پهلوی «خبرگزاری رشت اطلاع میدهد که دیروز در پلاز بندر پهلوی هنگامیکه يك دختر خوشگل مثل ماه، در يك قایق نشسته و در روی آب دریا گردش میکرد توجه عموم را به خود جلب نمود. کسانی که ناظر جریان بودند می گفتند: واقعا اگر قایق ماه نشین، صحت داشته باشد، همین است که می بینیم!

پیام «بادمجون» به کره ماه!

در آخرین لحظاتی که روزنامه زیر چاپ بود اطلاع حاصل شد که «بادمجون» پیامی تهیه کرده که به کره ماه می‌رسد، ولی این پیام بدست فضاوردان نرسیده زیرا نامبرده آنرا با پست زمینی کپی‌کندی فرستاده است! بهر حال این پیام مزبور و برای اولین بار در تاریخ ۱۱، وسیله روزنامه توفیق منتشر می‌شود:

جناب مستطاب کره ماه!

● قربان روی ماهت بروم! این مستطاب که بوسیله شوهرهای ساراج آپولون ۱، بحضورت شریف می‌شود وسط پنجاب که عبارت از: «بادمجون» فاشین رفته‌جون - در مملکت مهر و سه! بیرون فرستاده شده. باری، غرض از زحمت این بود که اگر مجلس شورای کره ماه احتیاجی با استخدام وکیل مجلس! داشته باشد اینجانب در خدمتگزاری باضرم و تعهد می‌پارم که در جلسات فنی و قبل از دستور! چنان‌که قایم صحیح است احسن! بگویم که صدای نیکو شهندس پیازی شما که سهل است گوش شهندس پیازی خودمان هم برسد... نشسته از آن شما خوب میدانید که من ثرترین و معارست زبان این دو کلمه است! از «مخرج صحیح» آدا می‌کنم! البته فدوی در حال حاضر ماهی شهرار حقوق می‌گیرم ولی چون مکلاسی عزیزم «آمیرزا» چند شب پیش خواب دیده که حقوق وکلای کره ماه ههانه‌ش من اسکناس بستک تبریز است! لذا خواهشمند است اظهار لطف نموده نسبت با استخدام بنده اقدام فرمائید. یک عمر دعاگوی «کره» مبارک باشم. تمام اواج تا فرا بر اینان تسویب کنم! در ضمن بنده قول شرافهانه می‌دهم که مرا بتوان نماینده رفته‌جون کره ماه انتخاب کنید، هر ماه نصف حقوقم به طوریکه سایر وکلا تفهمند دوستی داریم حضور انور عالی‌کنم! منتظر جواب فوری. چانه فدایت، قی بقایت، هتم چتم براهت: «بادمجان!»

تالکیت ماه



کامل‌ترین و دقیق‌ترین رپرتاژ از مسافرت انسان به کره ماه را در روزنامه توفیق می‌خوانید.

چهارچشمی!

مواظب اوضاع بود و هیچ نکته‌ای از نظر او مخفی نماند!



شعری البداهه استاد صهبا!

در آخرین لحظه پرواز آپولوی ۱۱ «استاد ابراهیم صهبا» قطعه شعری را که مطابق معمول خودشان «فرالبده» سروده بودند مرق ریزان بدفت‌ر توفیق آوردند!

این شعر چون واقعا فی‌البده سروده شده اگر از نظر شعری اشکالاتی داشت اغماض می‌فرمائید.

دسته هوونگ ماه!

از: استاد ابراهیم صهبا!

جهان تبریز از فریاد و بانگ است
تسایم لهجه ام را از منی وار
بود همچون هوونگی ماه سیمین
فضا پیمای آمریکا به جرئت
جناب حضرت «برنارد لاول»
رود «لوتا» اگر از جانب روس

میان این زمین ماه گردون
و کالینز و آلدترین آرمستراک است

(۱) - البته منظور استاد صدخانه معروف «جودرل بنت» انگلیس است

روحیه قوی

مشاور فضائی در اعظم
اختصاصی در یساره و صبه
خبرنگار ماسفت بدون خا
به نظر خیلی قوی است. هم
پرسید: کدام سه نفر! مشا
گفت: بادمجون و اوس صبا
چون بالینکه آخر برج است
روحیه خود را نباخته اند!

رادیو و اخبار

گزارش‌های رسیده
تحقیقات فضائی آمریکا
حاکمیت که فضاوردان
رادیو ترانزیستوری نیز
دارند و وسیله آن رادیو
رادیو ایران از آخرین خبر
به آپولو-۱۱ مطلع می‌شود

تنها کسی که کار
خبر نداشت خواهج
بی برد و بلافاصله
اطلاع داده که بت
درین زمانه رفیقی

را اصلاح کنیم و
در این زمانه رفیقی



در روز چهارشنبه
آقا هم بطوری از خبر
آپولو ۱۱ به هیجان آمده
دندانه‌های عاریسه‌ای

مقامات فضائی

آمریکا، در ساعت ۲
بعد از نصف شب، فضا-
نوردان را از خواب
بیدار کردند تا خبر
وضع حمل خانم
مهستی، خواننده
رادیول را به آنها
بدهند!



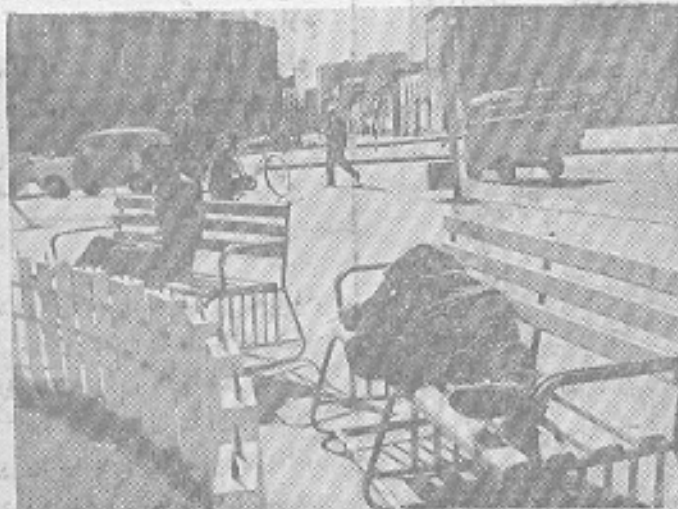
قبل از روزنامه کیهان در شب پرواز آپولو-۱۱ کالینز دارد
صفحه اول آنرا اشغال کرده بود!



شمارش مستقیم!

در آخرین لحظه‌ای که روزنامه زیر چاپ میرفت از صندوق مجلس خبر
رسید که شمارش اسکناس‌های حقوق آمیز که همزمان با شمارش معکوس

امروز صبح دولت ترکیه طی
داشت شدیدی که به سازمان ملل تعلیم
اعلام داشت که کره ماه نه مان
س‌هاست و نه مال آمریکایی‌ها بلکه
دولت ترکیه تعلق دارد و دلش هم
بر کره ماه است!



روحیہ قوی

مشاور فضائی صدر اعظم طایب افغانگوئی
اختصاصی در باره وضع آپولو به
خبر نگار مامفت: بدون شك روجه این
به نظر خیلی قوی است. خبر نگار مسا
پرسیه: کدام سه نفر مشاور صدر اعظم
گفت: باوهجون و اوس عباس و آمرزا،
چون بالینکه آخر برج است معهدا آنها
روجه خون را نیاخته اند!

راديو و اخبار

گزارش‌های رسیده از مرکز تحقیقات فضائی آمریکا در «هوستون»، حاکیست که فضاوردان هر یک، یک رادیو ترانزیستوری نیز همراه خود دارند و بوسیله آن رادیوها با گرفتن رادیوایران از آخرین خبرهای مربوط به آپولو-۱۱ مطلع می‌شوند.

توضیح و اوضاحت

— بابا جون، عدول ماه نشين چي چيه؟
— ههونه كه از سفينه مادر جدا ميشه .

تسخیر ماه و مشکلات ما در روی زمین

در خرد بلیط اقامه می
نامل جابر نیسمه
دول الله و موکوش
شرای نویر فاکه بوش و الله اسما
مورد حمله واقع شده بود پانصد مدینه
۲۰۰ نفر از مدعوین عروسی
با بستی مسموم شدند
مبارزه با کلومیری
در سرات کشور گسترش یافت
لکن خاصه موسوی
به یک بیمار پیوند زدند
۷ هزار لاشه کشف شد توزیع شد

تصحیح غزل حافظ !

تنها کسی که تا روز چهارشنبه گذشته از موضوع پرواز سفینه آپولو خبر نداشت خواهی حافظ شیرازی بود که او هم در لحظات آخر به قضیه پای برز و بلافاصله بسک استاد رعدی آذرخشی «تلفنی از شیراز به اطلاع داد که بیت :

درین زمانه رفیقی که خالی از خلل است
صراحی می قاب و سفینه غزل است «
را اصلاح کنیم و بجایش بنویسیم :

در این زمانه رفیقی که روی ماه ولوست
صراحی می قاب و سفینه آپولوست !»

نظار مردم

در بارهٔ

نامگذاری دریای آرام

چون عده ای از صاحب نظران نظر داده اند که «دریای آرام» برای آن قسمت از ماه که اضافوردان پیاده شده‌اند، اسم مناسبی نیست لذا چند نفر از اشخاص معروف که صلاحیت اینکار را دارند اسمهای تازه ای پیشنهاد کرده اند که یکی از آنها قرار است بحکم قرعه انتخاب شود :

جائون :	دریای ہمس
وشہ دایان :	دریای روا
رکت لالہ :	دریای صف
زارمندان دولت :	دریای قرض
کتر بارنار :	دریای قلب
بارہ چراغ موشی :	دریای خاموش
کلای دعا و ثنا :	دریای خواب
پیلہ ہا :	دریای گارا
مافرین آتوبوس :	دریای انتظار
مرا عظم :	دریای فتنہ
کا تہ قہ :	دریای خندہ



مقامات فضائی

آمریکا، در ساعت ۲
بعد از نصف شب، فضا-
نوردان را از خواب
بیدار کردند تا خبر
وضع حمل خانم
مهرستی، خواننده
رادیو را به آنها
بدهند!



همزمان با پرواز سفینه فضایی آمریکا «سفینه غذای ایران هم از پایگاه کپ بهارستان بطرف کره شکم «آمیروزا» مرتاب شد. سر نینان سفینه مزبور عبارتند از:

بولمون - جوجه کباب - شیشلیک
- بستنی - خایه - کمبوت آناناس -
میوه‌جات و چیزهایی از این قبیل!
بطوریکه از رستوران شوربا اطلاع
می‌دهند، سفینه غذای ایران در انجم
مأموریت خود از سفینه فضایی آمریکا
بوقوع آورده است!

از صندوق مجلس خبر
مان با شمارش معکوس
نده و هنوز ادامه دارد.

بهر آمادگی خود را اعلام
اشند که در پرواز بعدی آپولو
کرماه پروند و با چرخ دستی
فیلی بیشتر از فضاوردان ،
عالمها را به زمین بیاورد

موجود زنده

«خوس خوسانی» پیام
جرمانه ای برای فضاوردان
ستاده و در آن خواهش کرده
ست که اگر فضاوردان ، احیاناً
که موجود زنده را در ماه دیدند ،
ت بسته به زمین بیاورند تا
بوس خوسانی او را به عضویت
زب «اینارو ببین» در آوردا
گفته میشود اگر خوس خوسانی
فضاوردان در این مأموریت
خاص خود موفقیت حاصل کنند
عضای حزب «اینارو ببین»
دو برابر خواهد شد!



غذای فضاوردان در فضا کشت
گوساله - سوپ جوجه - کیک
میوه ای - آب پرتقال - کلابی -
شیرینی میوه - قهوه - آب
انگور و آب نارنج است.

اصری به اکبری - اسم به منم
از این غذاها میدادند عوض کره
ماه میرفتم کره مریخ!

اخبار مهم از نظر مردم!
یک هفته به پرواز «آپولو»
«۱۱» مانده ، تیراز «کوهان» و
«اطلاعات» بطور ناگهانی بالا
رفت و مردم با اشتیاق فراوان
اخبار این دو روزنامه را
می پلعدند ... البته اخباری را
که مربوط به «غذای دانه» و
«گوسفند» بود!



«برنامه پرواز آپولو-۱۱» از اغلب فرستنده های تلویزیونی جهان پخش میشود.
بر ژرف به زنی - این برنامه ش مزخرفه ، جای دیگر و بگیر!

کشفیات مشاور فضائی صدراعظم

نماینده ایران در امریکا که مانند هزاران نفر مردم سراسر دنیا ،
هنگام پرواز «آپولو ۱۱» در کپ کندهی حضور داشت طی یک مصاحبه
مطبوعاتی به خبرنگاران داخلی و خارجی حاضر در کپ کندهی اظهار داشت:
«قسمت اعظمی از موفقیت های «آپولو ۱۱» مدیون اطلاعاتی است که
مشاور فضائی صدراعظم عصائی ما در اختیار فضاوردان و موشک سازان
گذاشته است!»

نامبرده ضمن تشریح جزئیات تئوریهای مامانی که کشفانی مشاور
فضائی صدراعظم عصائی گفت:

«سده کره ماه مثل اغلب نقاط مملکت ما آب وجود ندارد و چنانچه
کسی قصد انجام فریضه دینی را داشته باشد باید به «تیمم» متوسل شود
و اگر گفته شود میبایست دستور «مولانا» را بکار بندد که می گوید:
آب کم جو ، تشنگی آور بدست تا بجوشد آیت از بالا و پست!»
نامبرده سپس اضافه کرد:

«مهندسین آتکی! سازمان آب ما در صورت ضرورت آماده اند که
با بهترین طریق و نقشه های دقیق در حفر چاه های عمیق و نیمه عمیق ،
در سطح کره ماه ، به کارشناسان فضائی کمک کنند!

ایشان همچنین اظهار داشتند:
«چون سطح کره ماه ، غیر قابل سکونت تشخیص داده شده و در آن
دنه آیت و نه آبادانی ، نه مسلمانان مسلمانی» ما حاضریم با وجود و وعید
و قوت و قهرهای سبک جدید و گروه کثیری از مردم کلیه نقاط جهان را
تشویق و تحریک به مهاجرت و سکونت در کره ماه کنیم و بموافقات آن
با اعزام کارشناسان ، آبادانی و مسکن و نیز «آب و برق» ، ظرف مدت
کوتاهی چنان کره ماه را غرق عمران و آبادانی کنیم که به کره زمین
بگوید: «تو دنیا ، که من میخوام در آم!»

ناطق «پس سرعت دیوانه وار «آپولو ۱۱» را با قوس صعودی قیمت ها
در ایران مقایسه کرد و ثابت نمود که:

«از لحاظ دستیابی به کشفیات نیز مملکت ما بر سایر ممالک ، حق
تقدم دارد زیرا سابقه است که ما یک سفینه نامرئی را که همان «گرقی قیمت ها»
باشد بسوی کشفیات فرستاده ولی بر اثر پاره ای اشکالات فنی! هنوز که
هلهله است موفق به بازگردانیدن آن نشده ایم!»

نامبرده در پایان مصاحبه مطبوعاتی خود اضافه کرد:

«مشاور فضائی صدراعظم عصائی با «تنجیم» و «ترصید» و یکمک رمل
و اسطرلاب ، باین نتیجه رسیده است که سفر سر نشینان «آپولو ۱۱» به ماه
از دو حال خارج نیست یعنی اینکه فضاوردان در زمینه پیاده شدن و
خاکبرداری و بازگشت از ماه ، یا موفق میشوند یا اینکه با عدم موفقیت
مواجه خواهند شد!»

البته حسن این کشفیات در اینجاست که نیم ساعت قبل از پرواز آپولو
منتشر شده است!

در باره تسخیر «کره ماه»

«یک قصاب: مسافرت به کره ماه
یک کار مهم و مشکله ، ولی حل مشکل
گوشت از قرار از اون مشکله ۱۱»
«یک دانشجو: دلم میخواد پدرش
و ماه شناسی» هم به سایر رشته های
دانشگاه اضافه بشه تا اقلاً پشت کنکور
مانده هابتون در ایر رشته ادامه تحصیل
بدن!

«یک پیرزن: خدا کنه خاک ماه ،
یک نوع اکسیر باشه که بنونه پیر هارو
جون کنه!

«یک شاعر:

میان شعر نو ، تا «شعر خواجو»

تفاوت از «لونا» بی ، تا «آپولو»

«یک دیوانه: اگه تسخیر کره ماه

بنونه «صنح دائمی» در دنیا برقرار

کنه ، من حاضرم عاقل بشم!

«یک پارکابی اتوبوس: اگه کره

ماه رو هم بر رسانی شرکت ما بدن ،

بازم دو قورت و نیم شون باقیه!

«یک زن: سفر کردن به «ماه» خیلی

شیرینه ولی جای «ماه» عمل ورو نمیگیره!

«یک میوه فروش: خطرات احتمالی

مسافرت به ماه به لذتش میارزه ، واسه

اینکه: «کسی که خریمه میخوره پای

لرزش هم می شینه!»

«یک پزشک: همه چیز کره ماه برای

ساکتین کره خاک منبع درآمد و ثروت»

حتی امراض و میکروب های جدیدش!



فضاوردان در مراجعت از ماه تایکما ،
حق ملاقات با زنان خود را ندارند ،
- فلان فلان شده منگه تو هم از
کره ماه بر گشتی فلان.

دومین شماره مخصوص

توفیق

به عکسها و مطالب و

کارتون های ما را درباره «توفیق

کره ماه» ، در دومین شماره

مخصوص «ماه» توفیق که هفته

آینده نیز با چهار صفحه اضافه

به قیمت همان ۱۰ ریال منتشر

میشود ملاحظه فرمائید.



شوهر

منی دامن خانم های شوهر دارد دیگر
برای منی خوب می پوشند ، آنها که شوهر
گیر آورده اند !

با حجاب

مضحک ترین کار اینست که عده ای از
خانم ها برای اینکه کمر تا می بیند و پشان
معلوم نشود چادر سر می کنند !
در پیشگاه

وفا

اگر در سیاهی شب ، در عقب
قبانوس اطلی یک سنگریزه را که پنجاه
سال پیش افتاده باشد پیدا کردید ،
می توانید در دل زن نیز یکدزد وفا
پیدا کنید !

زن و جواهر

موقی که در خیابان با زن و بیجه
فرد قدم می زنید مواظب باشید بچه ها
جلوی منازعه اسباب بازی فروشی و
فانم را جلوی منازعه جواهر فروشی
برید که تا شما را به خرج نیندازند و ل
شن معامله نیستند !
«مملول»



عشق قصاب

«دن-قار اخلو»

بیا یکدم در آشوبم ، تو ای دلدار « پرواز » م
که در عالم تو را از « پشت هاژو » دوست تر دارم
مرا بر « چنگک » عشقت ، چو « لاشه » کردی آویزان
به من بی اعتناهی ، مگه من « گوشت بلغار » م ؟
زهر جالی که میخواهی ، بگو واسات « ببرم » من
بخور این « مغز رن » رو ، کیف کن ای نازنین دارم
تا می بوم تو رو ، من جای « فیله » ، « دانه » میبرم
میخواه گر مشتری داشته باشی ، واسهش « سر سینه » میدارم
« دلم » را تو « چرخ » غم گذاشتی از جفا ، اما
به من تا میرسی میگی ، به عشق تو وفا دارم
نعمیدم من به تو هیچوقت ، جیگر « گوشت اوروگوله »
اگر چه پر شده از آن ، توی « پستو » و آندارم
تو هر چی که دلت میخواه بدی ، رنگه لون چون
تو خوش دستی ، بدی دشتو ، که باشد رونق کارم



«زنها در تهران روز بروز لخت تر میشوند»
بدون شرح !



حال بیرون رفتن

مردها آنها موقعی حال بیرون رفتن
از خانه و چشم چرانی را ندارند که
دوقران پول بلیت اتوبوس در جیب خود
نداشته باشند !

دلیل

بعضی ها با سماجت از آقا پسرهایی
که موعای خود را اصلاح نمی کنند
می پرسند : بچه دلیل سرتان را اصلاح
نمی کنید ؟
... آنها دلیلی ندارند ، جز اینکه
میخواهند پول سدانی را پس انداز
کنند و با آن آب ، هویج بخورند !
«دوشهره لندی»

جوانان حرف شنو

من با کسانی که میگویند جوانان
امروز حرف شنو نیستند مخالفم زیرا
جوانان امروز حرف همه را میشوند
جز سه نفر و آن سه نفر عبارتند از
پدر ، مادر و معلم مدرسه !

کم اشتها

خدا رحم کرده که مینی ژوب در
عصر روغن نباتی مد شده ، والا این
مردهائی که من می بینم چشم زنها را وسط
خیابان در می آورند !
«خانم زانی»

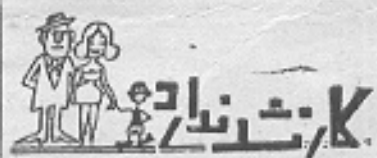


- کی کدام کتاف رو میخونه ؟
- آدم فقیر : «سلام برغم» !
- کارمند اداره : «خرمگی» !
- سپور : «خاک خوب» !
- کی کدام فیلم رو می بیند ؟
- ساعت ساز : « ساعت ۱۰:۳۰ تاپستان» !
- مرئی استخر : «شناگر» !
- گدا : «آخرین سکه» !
- رجل : «خوش غیرت» !
- «ع-ساداتی»
- کی ، چی رو غافلگیر میکنه ؟
- ژمستان : «شهر تار» را
- اسرائیل : «اعراب» را
- خانم : «آقا و گلست» را !

«خیار چمبر»

تا تو بگی «ف» ...

- تا تو بگی «پ» ، من می فهمم میخوای
بگی «پپ» ! «صدر اعظم»
- تا تو بگی «ن» ، من می فهمم میخوای
بگی «نفت» ! «جسول»
- تا تو بگی «م» ، من می فهمم میخوای
بگی «مسافرت» ! «دکتر خوش قیال»
- تا تو بگی «س» ، من می فهمم میخوای
بگی «سوء استفاده» ! «دهان بینی»
- تا تو بگی «ش» ، من می فهمم
میخوای بگی «شیش هزار تومن» ! «آمیرزا»
- تا تو بگی «ج» ، من می فهمم
میخوای بگی «جنگ» ! «عبوسام»



- بنده حاضریم از هر بانکی
که شما بگوئید صد هزار تومان پول
بگیریم ، مشروط بر اینکه متصدی بانک
بدهد !
- جوانکی رامی شناسم که قادر
است آب یک استخر را بخورد ، مشروط
بر اینکه توی استخر مربوطه پیش از
یک لیوان آب نباشد !
- بنده حاضریم چند اتوبوس
دوطبقه شرکت زاندرایکجا ببلند کنیم ،
مشروط بر اینکه سوء استفاده چی های
سابق طرز بلند کردن را به بنده یاد
بدهند !
- «برگ چقدر»

الطرق فلاح والرستگاری!

- بر در صف اتوبوس
- شایست از قلت فلوس
- خوردن نان پر از سبوس
- آدن کردن به ظلمات
- گردن نهادن به هر نوع مالیات
- زری جستن از میوه جات
- پیام گرفتن و بیکاری
- راختن سجد و راضی به شهرتاری
- شتاده از سه چرخه و گاری
- هر به خانه بدوشی
- شای خشک و خالی دکان گوشت
- روش
- کالامه با تلمن های عمومی بی کوشی
- «ضد ضرب»

مَوْ زن شما بخویدیم

ما چل خیریت خود را برای ما بنویسید
و هیولان خود را «مَوْ» بگیری!



به قریب گشتاخر بگری حزب پرده خزان ساقا بر ما پیشه
چون طرح کریم دادند اند که هر بفری مکت خیریت خیریت خود
آله فراموش خزان پادشاه شد و چه آفتی گشت از اینکه مکتی نام
خیریت اقل را در دزدان چاپ خیریت کرد تا به مایر خیریت سرلی
چون مکتی سران تمامی مکتان با پرده مکتی جو و پادشاه خیریت
کری حزب مکتی را در فراموش گشت و خیریت را در مکتی خیریت
ما چنین بهت این ساقا مکتی مکتی مکتی مکتی مکتی مکتی مکتی
ساقا این کوفه را در مکتی مکتی

دو سند خیریت

طویلۀ مرکزی حزب خزان

عرعر... (چند تا جفتک ۱)

اینجا خبری هستم که دانشجوی
یکی از دانشکده‌های دانشگاه تهران
باشم. سال قبل ازمن شهریه‌ای مطالبه
کردند و ولی من با کمال خیریت شهریه
پر دایم و رسیدن را به دانشکده دادم.
بالا که میخواهم پولم را پس بگیرم،
بدهند. آیا این خیریت نیست؟
در ضمن اثر سم خود را در زیر
ما گذاشته‌ام تا خیریت من کاملاً بر
ما ثابت گردد.

«خردانجو»

سر طویلۀ حزب خزان

با تقدیم احترام و ادای هر عریض و محذور
بکایک خزان حزبی عرض می‌شود که
بجناب، ما چه خبری هستم از اهوا که
بجای سند خیریت، عکس خود را که
بفول شیر دادن به کره خرم می‌باشم،
تقدیم می‌کنم امیدوارم بآیدین این عکس
خیریت من بر شما ثابت شود.

با احترام
«مکتی»

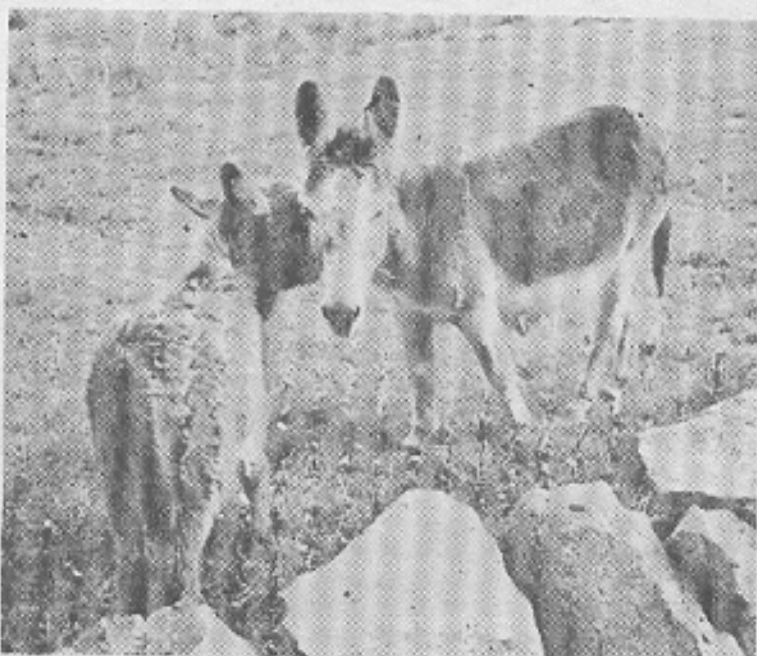


جواب: ما چه خبر محترم، عکس شما
را چاپ کردیم سند شما هم مورد قبول
آید. شما محض اطلاع عرض می‌شود
که کره خرم شما هم در صورت تمایل می‌تواند
به عضویت حزب خزان در کمیته کره خزان
در آید.

کره خرف نشنو

«ورامین: خربندری»

گفت با کره خرف، خری هشیار
همخن گر شوی به آدمیان
کره خرف گفت: مادرم کرسوست
به قدم دور شد ز حزب خزان
پشت یازد به گفته مادر
ناگهان آدم از کمین برجست
کره خرف پیش و خرف شد از دنبال
کره خرف را چو آدمی برپود
گر تضرع کنی، و مگر فریاد
آدم آن کره پس نخواهد داد



کره خرف به مادرش: «گری» بپیم گفت: امشب مامانمو
میفرستم طویلۀ پیش مامان خواستگاری!

«دولد چموش»

کنار خرف

افتد رفیق، گر گذرت بر دیار خرف
از من رسان سلام به خرد و کبار خرف
از موقعی که حزب خزان مکتی آشکار
جرات نمیکند که شود کس سوار خرف
بگذشت آنکه بار همی برد خرف بازور
سنگ و نمک دیگر نتوان کرد بار خرف
افسار خرف دست خود دوست بعد از این
در دست آدمی نبود اختیار خرف
نازم بآن صدای فرح بخش و دلپسند
باشد همیشه خواندن آواز، کار خرف
بر یونجه خزان دیگر نیستش طمع
هنگر نظر بلندی خرف، اعتبار خرف
شب در طویلۀ سرخوش و مست است خرف
باشد بشرط آنکه ما چه خرف اندر کنار خرف
حسرت برند آدمیان از درشت و درو
دایم یکارو بار خرف و روزگار خرف
خواهی اگر ز راز خیریت شوی خرف
پبوسته باش، همدم خرف، یارو غار خرف

یادداشت‌های خرفی

آقای سلطان زاده، سلسله مقالاتی
به کمیته مرکزی حزب خزان فرستاده
که بسیار جالب و محققانه نوشته شده
است. آقای سلطان زاده، طی نامه‌ای
چنین نوشته‌اند:
«چندی قبل که به نامه‌ها و اسناد
پدر مرحوم میرزا رسیدگی می‌کردم، به
یادداشت‌هایی راجع به خرف برخورد کردم
و نفع دانه این نوشته مال خود پدرم
می‌باشد یا از جای دیگری نوشته شده
است در هر حال از آنجاکه بنظر من جالب
آمد، برای حزب خزان می‌فرستم.»

حزب خزان ضمن تشکر فراوان
از این دوست عزیز، اذاین هفته با
اندکی سم کاری اقدام به درج قسمتی از
این مقالات تحقیقی آمیز می‌گند و متذکر
می‌شود که مقالات مزبور در سال ۱۳۰۱
نوشته شده است:

خرف موجودی شریف است
«خرف» از محترم‌ترین و بزرگترین
موجودات است. ما برای اثبات این مدعی
با اندازه موه‌های کن خرف ملانصرالدین
دلیل داریم و بمصدق مکتی نمونه خرف را
است، یک مکتی از آن دلال را جلوی
آدم‌ها می‌ریزیم:

دلیل اول - خرف همه جا، جا دارد و
بهمین دلیل محترم است، زیرا بمضمون
«در تنگنای قافیه خورشید خرف شود»
خورشید با آن عظمت وقتی بخواهد در
تنگنای قافیه جا پیدا کند باید خرف شود.

دلیل دوم - در میان خرف‌ها، رجال
بزرگ تاریخی از قبیل «خرف حضرت عیسی»
پیدا شده‌اند که بر عده زیادی از رجال
امروزه مزیت‌ها داشته‌اند.

دلیل سوم - ضرب المثل معروف
فارسی می‌گوید «هرگز نقد که بی سر
خرف زانگی کنیم» و شرافت این
ضرب المثل را اینطور توضیح می‌دهند که اگر
سر خرف را از تن اعضای حزب خزان
بردارند یک دقیقه زنده نخواهند ماند!

دلیل چهارم - خرف نماینده فراوانی
و کمال است وقتی برسر لغات گذاشته
شود افاده این معنی را می‌تواند. مثلاً
وقتی باندجان و غبار و غبار و غبار می‌رسد
می‌گویند «خرف خور» شده است. وقتی
می‌خواهند بگویند فلانی زیاد کاری کند
می‌گویند «خرف کار» است. وقتی می‌خواهند
بگویند فلانی در نهایت راحتی است
می‌گویند آقا در ناز و نعمت «خرف غلت»
می‌زند. وقتی می‌خواهند بگویند فلانی
زیاد متمول شد، می‌گویند «خرف پول» شد.
همینطور اگر بخواهیم قدرت و سرشاری
طبع بعضی از شرای حزب خزان را
برسانیم باید بگوئیم خرف طبع و خرف دقت
«دم باله داردا»

کار بیکاری!!!



۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۵	۸	۱	۳	۴	۲	۱	۳
۳	۵	۲	۱	۳	۴	۲	۱
۴	۳	۱	۲	۳	۴	۲	۱
۳	۴	۲	۱	۳	۴	۲	۱
۴	۳	۱	۲	۳	۴	۲	۱
۳	۴	۲	۱	۳	۴	۲	۱
۴	۳	۱	۲	۳	۴	۲	۱

افقی : ۱- مخترع صف ۲- ویش سفید شیرینی ها - مشتری همه سال وزارت کشاورزی ۳- آتش مریض - دلبر جاهل ۴- نزد ایرانیان است و بر ۵- رنگه بزدل ۶- پدر بزرگ - همان ترازوست ۷- آبریز گاه بیگانه - مال قراماسون ها چندی پیش منتشر شد ۸- هواپیمای هرجائی ۱

عمودی : ۱- سه قاپ باز معهود - کر به را در آن می کشند ۲- پارتی بها دار - لگد وارونه ۳- رنکش پریده - مرتاض سازها ۴- خدا کند ایشرا شما نداشته باشید ۵- فرش فقرا ۶- مادر عرب - پیرزن درب و داغون ۷- پردباری - دست قاراپط ۸- پسر نیست - « ترن » متلاشی شده .
(ص: آبدارک)

حل جدول شماره ۱۵

افقی : ۱- مداد ابرو ۲- آهنه - کور ۳- لندنی ۴- بد - بم - آرایشگاه ۶- منم - کارت ۷- اشنو - جبر جبرک

اسامی برندگان جدول شماره ۱۵

۱- تهران : آقای هوشنگ بهمنی « برنده یکسال اشتراك توفیق ماهانه » ۲- اسفهان : آقای علی بیات ۳- تهران : خانم ط - محمدی نیا ۴- کاشان : آقای مهدی هنردار ۵- تهران : دوشیزه مهناز رحیم زاده ۶- فومن : آقای ابراهیم باستی « هر يك برنده يك جلد كتاب توفیق » که جایزه شان از ماه آینده ارسال میشود .

عین این جوائز به کسانی که حل صحیح این جدول را بفرستند داده خواهد شد . فقط کسانی در قرعه کشی شرکت داده خواهند شد که : نام و آدرس و شماره جدول را در روی پاکت و توی نامه نوشته باشند . نام برندگان این جدول و حل آن در سه شماره بعد اعلام میشود .

کمبود جا

ملت اینکه دولت آمریکا تصمیم گرفته نیرو های خود را از ویتنام جنوبی خارج کند ، اینست که اژیس سر بازار آمریکائی در ویتنام زیاد شده اند ، دیگر برای خود ویتنامی ها جایی باقی نمانده است ! برای رفع اشکال ، یامی بایست اهالی ویتنام جنوبی را از کشورشان خارج کنند ، با نیروهای آمریکائی را ...



معمولی - جناب مرشد !

کاف - جان مرشد !

جناب مرشد ، هوا خیلی گرمه ، میکم بطوره ما هم یکی از همین کولر های وطنی واسه تموشاچی ها بذاریم ؟

- لازم نکرده بچه مرشد ، دهن تو باندازه کافی یخ هست !
- جناب مرشد ، حالا که تو دماغو سوزوندی دهتم هم گرم شد !

- بچه مرشد برو سر اصل مطلب !

- جناب مرشد ، نظرت راجع به اینکه صدراعظم گفته دخانها لیاقت اشتغال پست های حساس را دارنده چیه ؟

- منم با صدراعظم هم عقیده ام بچه مرشد ، واسه اینکه خانومها از آقایون ، هم بهتر حرف میزنن هم بیشتر !

- جناب مرشد ، مردم با سوار کردن دوتا مسافر نویك تا کسی موافقن ولی کسی به سرفشون گوش نمیده ، باید چیکار کنن !

- هیچی ، باید به کاری کنن که واسه تاکی ها هم مثل اتوبوس ، دشرکت زائد درست بشه ، اونوقت تاکی ها دوتا که سهله ، ده تا سوار میکنن و آخر سر ضرر هم میدن !

جناب مرشد ، جنوب شهرها میکنن ماهوا ندادیم واز شهرتاری هوا خواستن .

- بچه مرشد ، اینهمه شهرتاری بهشون وعده داده که همهش باد هوا ، بازم هوا میخوان ؟

جناب مرشد ، زنان فسادوردان تا یکماه اجازه ندارن با شوهرانشون ملاقات کنن .

- بچه مرشد ، من ۳۱ جای اونها بودم از دولت آمریکا مطالبه ضرر و زیان میکردم .

- جناب مرشد ...
- زهر مار و جناب مرشد ، باشو در بریم ماور وصول مالیات داره میاد !
د زره آلو عنک ،



و کسانی که ایجاد سرودا کنند به پرداخت جریمه محکوم خواهند شد - جراید مأمور - ۲۰ تومن جریمه ، صدات در بیاد میشه ۲۵ تومن !



رونوشت

جان ، شیفته ورزش آن غیب گشت دل ، کشته سمیون همچون شب گشت از دایره باغ گلشنم ، دیدم بر برگ گل سرخ ، رونوشت لب گشت « زرشک »

وکیل یم

چون مردم عادی نخورم هرگز غم زیرا که بود حامی من صدراعظم شد و در زبان من صحیح است احسن روزی که شدم وکیل ، از حوزه یم « باد چون »

مایو

چنگ زدنت میان دریا خوبست پشتک زدنت کنار من مطلوبست از دیدن سبکی ورقلمبیده تو چون مایوی تو ، لوجه من مطلوبست « نازک تاریخی »

بازیگوش

بشت در دانشکده ای رفقم دوش دیدم دوهزار دیبله کوزه بدوش هر يك بزبان حال ، با من میگفت : يك کوزه بگیر و دیبلت بنداز توش « اسحق صحرانورد »



بدون شرح !

۲- نقشه محدوده شهر تهران را انجمن شهر تهران که تمام اعضای آن عضو حزب دولت هستند تهیه کرده اند - توفیق



سرداعظم عصائی - این نقشه رو دولت تکثیرده .
آویزب رجوع - حزب تون کشیده بدتر از دولت !



در کمیته مبارزه با پشه و مگس گفته شد :
جنگ پشه از بزرگترین نبردها است

دلاوران جنگ پشه !



« خانم ها گران فروشان را لو میدهند »
خانم ها به ملت - خودشه !

مستقیم و اصغر بدست می رود - تهران

یکی بود یکی نبود . به مرد کله گنده
مسموم و مرخص شده بود بردنش اداره
ك قانونی برای کالبد شکافی .
وختی کالبد شکافی کردن دیدن
رستوران مسموم شده . رفتن یخه
ب رستورانو گرفتن که :
- چی چی به این بابا دادی که
م شد ؟

صاحب رستوران گفت : گوشت ...
صاحب رستورانو ولش کردن رفتن
قصابی رو که به رستوران گوشت
فخته بود گرفتن و ازش پرسیدن :
- چه گوشتی به رستوران فروختی
ستوران اونو داده به مشتری و

ی مسموم شده ؟
قصاب گفت : گوشت سگه ... !
رفتن یخه - معذرت میخوام گوشت
رو گرفتن که پدرسکه صاحب ،
می خوردی که قصابه توروفروخته
ستوران و رستوران داده به مشتری

فتری مسموم شده ؟
سگه گفت : « گربه » ... !
رفتن سبیل گربه به رو گرفتن و
ن : تو چی چی خوردی که سگ
و خورده و قصابه سگه رو فروخته
توران و رستوران سگه رو داده

مشتری و مشتری مسموم شده ؟
گربه گفت : میبوش (یعنی موش) !
رفتن دهب آقا موشه رو گرفتن و
ن : تو چی چی خوردی که گربه به
و خورده ، سگه گربه هرو خورده
ب سگه رو فروخته به رستوران ،
توران سگه رو داده به مشتری و

فتری مسموم شده ؟
آقا موشه از خجالت سرشوانداخت

چون و گفت :
- برنج فروشگاه فردوسی ۱۱۰



کولر بادمجون
بادمجون برای اینکه از شر گرماي
ستان راحت شود ، به فروشنده می رود
ك کولر آبی سفارش می دهد . پس از
د روز وقتی کولر را برای او می فرستند
پندرنش قهقهه ای است . با اعتراض
او را به فروشنده پس می دهد و
گوید :
- مرتیکه حق باز ... خیال کردی با
او طرفی ؟ من از تو کولر آبی
بدم نه قهقهه ای !!

در یکی از جلسات مجلس و معاون
رئیس مجلس از وزیر کشور خواست که
در باره فاضل آب توضیح بیشتری بدهد .
وزیر کشور گفت : فاضل آب يك لغت
کلی است و به هر آبی که زاید است
فاضل آب گفته می شود !

این قضیه مرا واداشت که بنشینم
و يك داستان چند قسمتی بنویسم تا
اگر در آینده کارگردانان خواهند
فیلمی نظیر « هفت گناه کبیره » در چند
قسمت بسازند ، بتوانند بصورت سناریو
از داستان من استفاده کنند !

قسمت اول :

صحنه انجمن شهر است و اعضای
انجمن پیرامون مشکلات شهری از
جمله گوشت بحث می کنند :
یکی از اعضا - من از رئیس انجمن
می خواهم که درباره گوشت توضیح بیشتری
بدهد ...

رئیس انجمن شهر - گوشت يك
کلمه يك سیلابی است که در ترکی به
آن « ات » در انگلیسی « MEAT »
و در عربی « لحم » می گویند . گوشت
چیز نیست خوردنی که از بدن گوسفند و
گاو و غیره بدست می آید ... !

قسمت دوم :

صحنه جلسه دادگستری است و
اعضای جلسه در باره اصلاح پاره ای
از قوانین صحبت می کنند .
یکی از اعضای جلسه - من از
وزیر دادگستری می خواهم که درباره
« قانون برابری » توضیح بیشتری بدهد ...
وزیر دادگستری - هر گاه دو کفه
ترازو در يك سطح قرار گرفت به آن
برابری می گویند ! ترازو وسیله ایست
که برای تعیین وزن یکبار می رود ،
این وسیله از دو کفه ، چند رشته طناب
و يك شاهین تشکیل یافته است . برای
توزین اجسام ، سنگ و پاره سنگ از
ضروریات است ... !

و بعضی از ترازوها مثل بعضی از
عقل ها ، پاره سنگ می برد !

قسمت سوم :

صحنه جلسه علنی مجلس است و
وکلا راجع به سوء استفاده در شرکت
زائد صحبت می کنند .

یکی از وکلا - من از آقای آمیرزا
می خواهم که درباره این سوء استفاده
توضیح بیشتری بدهد ...
آمیرزا - سوء استفاده بلند کردن
پول را گویند . پول چیز خوبی است
و انواع مختلف دارد نوعی از پول را
که با کاغذ ساخته می شود اسکناس می نامند
و مهم ترین اسکناس ها « صدی » نام دارند ...
و زرشک

جوجه تبانی حاتم

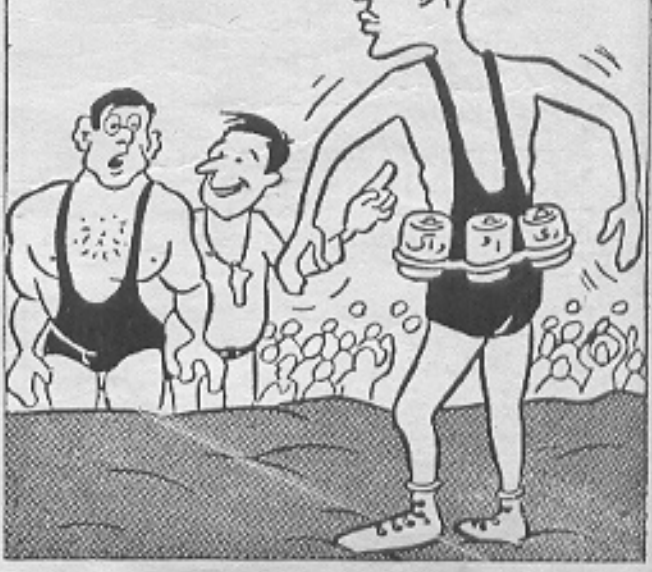


جناب حاتم چهار کردی که نامت سر زیوتها افتاد ؟
حاتم ملانی - هیچر « جوجه گباب حاتم » مردم دادم !
رستوران حاتم - کهران - جادو پهلوی - تلن ۶۲۲۲۸۱

فقط
ری.او.واک
وادی نوواطمینان کا رخسانه میباشد

RAY-O-VAC

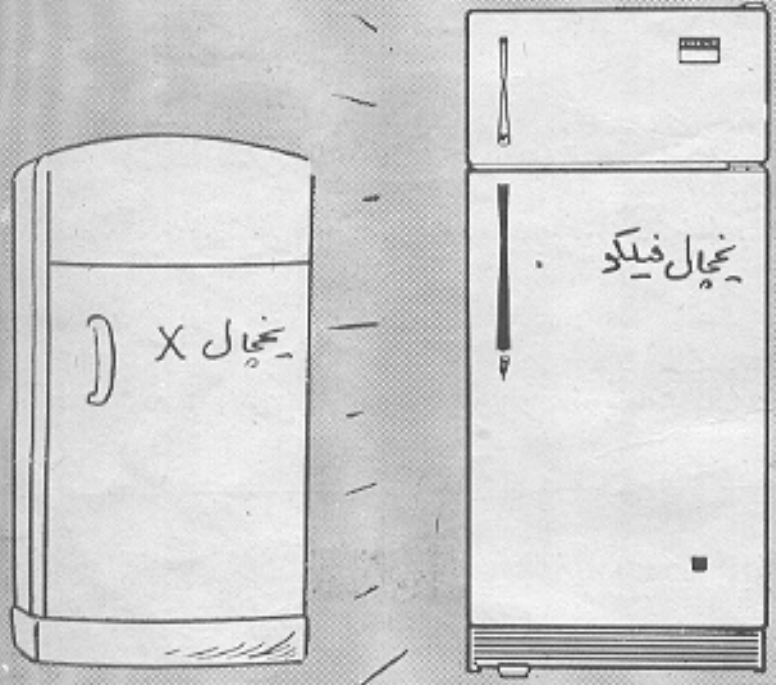
فولترین باطری برای هر نوع رادیو و چراغ دستی



مری بهرمان گفتی - حواست جمع باشه باهاش گشتی تغییری !!
چون باطری ری - او - واک و بکمرش بسته خیلی وقوه داره .

اعلامیه ای که بین زارعین منتشر کرده ، مبارزه بر علیه کرم خاردار را همگانی اعلام نموده و از کشاورزان خواسته است با سپاشی مزارع خود داخل هر چه کرم خاردار را بیاورند و از تخم ریزیشان جلوگیری کنند .
حالا برای اینکه از این راهگداز کمکی به کشاورزان کرده باشم توصیه می کنم اگر می خواهند جلوی تخم ریزی این آفت را بگیرند در عوض بکار بردن سم ، مقداری روغن نباتی قوی مزارع پنبه خود بپاشند و با اینکارشان کا ابدالدر جلوی تخم ریزی این آفت را بگیرند . «خیار جمبر»

از خواندن توفیق کاکا سیر نمیشم
میخونم و میخندم و من پیر نمیشم
با خنده همه چیز ارو میگم من کاکا
رود مثل اونای دیگه تسخیر نمیشم
اندیشه کاکاست بسی راستا حسینی
در بند ریا و پای تزییر نمیشم
من ترس ندارم ز خدایان لر و زور
حق میگم و آزوده ز تکبیر نمیشم
هر روز اسم چاپ بده توفیق کاکاجون
از خواندن اون چون خودم سیر نمیشم



فیل «کو» و فنجون



با من اینجا بیا ، تماشا کن
هر چه خواهی بیا ، بخر ، زینجا
در تماشا بهوش باش ، بهوش
خوشگل و بادوام و با حال است
تند ، بر لشکر عطش تازه
منه را میگذاره بر خشخاش
همه بنگاره پاک بنماید
بر رقیب است در همه دنیا
پاک و خوب و تمیز میشود
سمبل پاکی است و زیبایی است
هر چه میکوب بود ذلیل کند
میگذارد یکنی یکنی سر جا

دلبرای چنم و گوشتو واکن
این «فروشگاه فیلور»ه جانا
همه آماده از برای فروش
«فیلکو» نام یگانه یخچال است
آب در لحظه ای خشك سازد
«جاروگی برقی هوور» ایناهاش ،
پیش از هر چه گردو خاک آید
این «لباشولی هوور» جانا
چرك اگر بر لباس ره جوید
«ظرفشوی هوور» تماشایی است
خود بشوید ، خود استریل کند
پس از آن خشك میکند همه را



چای جهان کیسه نی

- برای مسافرت ، اگر بخوابید در قطار یا در هتل با چای خودتان مصرف کنید .
- برای قتل باوگانه رستوران ها ، اگر بخوابید رضایت مشتریان خود را جلب کنید .
- برای طبع خوری ، در ساندل کم جمعیت .
- و بالاخره ، برای کسانی که تاکنون چای کیسه ای مصرف کرده و به محض آن پی برده اند .

چای جهان

عده فروشی : شرکت سهامی جهان تهران خیابان پانزدهم تیراخی شماره ۲۱۱ - تلفن ۵۱۹۹۴۱
خودرو فروشی : سوپرمارکت و خواربار فروشی های بزرگ .

دو شم ندا رسید ز درگاه کبریا
ای بنده ، سوچه کاره دنیا کنم ترا
با صد هزار ناله برون آمیدی که من
بر صد هزار درد مداوا کنم ترا
هی میکنی دعا که نجات دهم ز فقر
هی آه میکنی که دری واکنم ترا
هرگز به عمر خویش ریاخور نبوده ای
آخر چنان توانگر دنیا کنم ترا ؟
«هی» نبوده ای که شوی شاد و بی خیال
«پیش» نبوده ای که هویدا کنم ترا
بی چشم و گوش و ساکت و صامت نبوده ای
تا که وکیل مجلس شورا کنم ترا
روشنگر من بگوی و دل از این هوی بشوی
«ترسم در این معامله رسوا کنم ترا»
گفتم به اتکسار ، خدایا ، خودت بگو
پس من در این میان چه تقاضا کنم ترا ؟

تسبیح

- چرا اکثر متهمان شرکت زائد در دادگاه يك تسبیح در دست دارند ؟
- برای اینکه میخواهند تسبیح بگردانند و بگویند : « مال خودم مال خودم ، مال مردم مال خودم »



محصل اولی - باشش تا تجدیدی امید قبولی هم داری ؟
محصل دومی - چه جورم ، آخه توی «گروه فرهنگی» سه سال ثبت نام کردم .
«گودکستان - دبستان و دبیرستان سهیل»
(برای دوره اول و دوم متوسطه ریاضی - طبیعی)
با همکاری آموزگاران و دبیران کارآزوده همه روزه صبح عصر ثبت نام مینماید .
نشانی گودکستان و دبستان : امیریه اول میامی - تلفن ۷۱۸۳
نشانی دبیرستان : معلی ، قلیا کاش - تلفن ۳۰۵۹



- ملاحفله می کنید ما با خریدن «کانادا» هم با گمرانی دیوه مبارزه

یکشب بده تخفیف بمن نرخ وصال

بگذار که با بوسه ببارم سر حالت

من دوست ندارم که به همراه تو بینم

ریخت پندر بد عنق همچو شفات

شهر تو جنوبش همه زشت است، ولیکن

نیگوست جنوب تو و خوبست شمال

تا از لب شهرین تو صدبوسه بگیرم

ایکاهی سر بل بشوم «بره بلاق»!

دیگر نکنم من هوس برق قاراشمش

با روشنی چهره خورشید مثالت

در شهر وجود تو جهانگرد نگاهم

بالاروه از قلعه زیبای جبال

مردیده دل عاشق من خاکه زغالی

در زلف قشنگ و سیه همچو زشات

آن کله زیبای تو بیگانه ز فکر است

همسج فغانده شورباست خیالت

یکبوسه بده تا دهمت رأی وکالت

تا پرشود از اسکن بی پیر، جوان

دو خبر

۱- د هویدا در جنوب روزی دو بار پیراهن عوض می کرد،
- چرا؟

۲- د نخست وزیر ویتنام جنوبی هم روزی دو بار شلوار
عوض می کند! - مراید



شوهر - نه میدم آبروی کیو میخوای ببری!..

زن - آبروی بلورو مرمررو، با مصرف «لوسیمون پابلور»

مخورغم چون رسیده فصل گرما

کدر، یازپرگشته بی نهایت

نمایش خوری اندوه بسیار

دو پایت را که در توصیف ناید

لطفای بخشد اعضای شما را

همه پای ترا چون شیشه شفاف

خوشا بر حال تو مصرف کننده

بها ای دلربای شوخ و زیبا

مخورغم، گر بلورین ساقی پایت

مخورغم، دیا بلور آمد به بازار

لطیف و نرم و خوشبو مینماید

خراقت میدهد پای شما را

عرق را پاک میسازد، کند صاف

ندارد بوی، یا عطر زننده

ای خنده محرابه باغ خوش بخت

امروز

فردا

دیروز: اگر

اتومبیلی را میدزدیدند

میگفتند: از آرسن لوپن

جلو زده.

امروز: هواپیما ها

را تندتند در آسمان

میدزدند.

فردا: کشور های

کوچک را با جاش میدزدند

و میبرند سیمه کشورهای

بزرگ میکنند!

دیروز: روزنامه ها

های افکار عموم بودند

و از عفت قلم حرف میدزدند.

امروز: ازدواج

آزمایشی و مسئله «گول

فرند» و «بوی فرند»

و «خیلی چیزهای دیگر»

را مطرح می کنند.

فردا:

(سانور شد. امضاء:

مغولی!)

دیروز: دزدی و

اختلاس در ادارات از

چند هزار کومن تجاوز

نمیکرد.

امروز: اینقدر

میدزدند که اگر آن

پولها را توی اتوبوس های

شرکت ذاکد بریزند همه اش

پر میشود!

فردا: در روزنامه ها

میخواهیم که فلان اداره

را با درو دیوارش دزدیده

و به نقطه نامعلومی برده اند!

دیروز: اگر کسی

حرف حساب میزد از صد

نفر نود نفر گوش میدادند.

امروز: از صد نفر

یک نفر گوش میدهد.

فردا: نه تنها یک نفر

هم گوش نمیدهد، بلکه

گوش گوینده را هم میبرد

که چرا حرف حساب زوی!

دیروز: اگر یک

جوان بی پول و پارتی

تقاضای شغل میکرد، فقط

جواب میدادند، کار نیست

امروز: با اردنگی

بیرونش میکنند.

فردا: متقاضی را

تحویل دادگاه می دهند!

«گل مولا»



- برای چی میخوانی تشریف ببرین ایران!

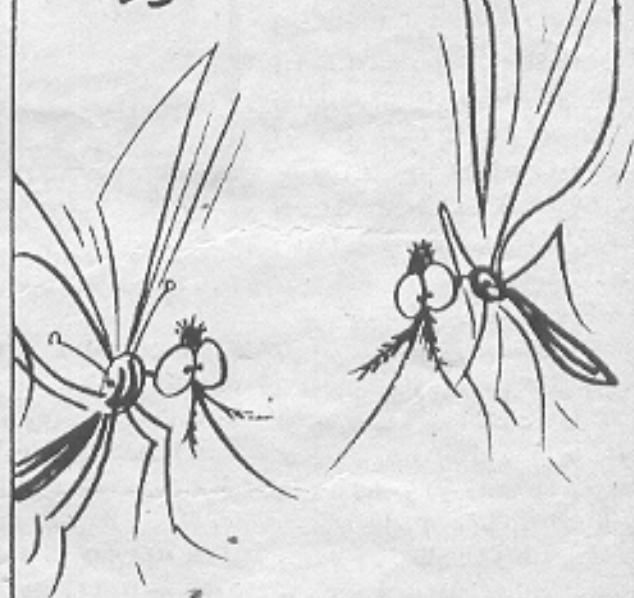
- برای دیدن برنامه های «کاباره دانسینگ

شکوفه فوا...» تهران - تلفن: ۹۵۴۰۴۴ و ۹۵۳۰۳۳

و کازینو ساحلی شکوفه نو: پنج کیلومتری چالوس بر امر

تلفن: ۹۶۴

حشر کش کارپل





مرد - مرد حسابی این چه خود کمر بندیه که
تا دست میبوی مدون کلید باز میشه
مونده - نه تیش این مال بر بزم باز دونه
عوسی شما فرحیم



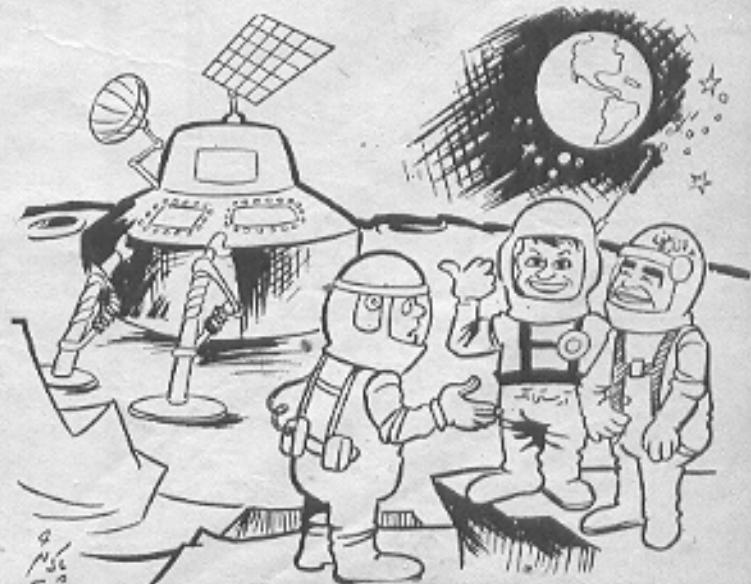
مکافات!
حتماً این مثل را شنیده اید که :
به کرد در بلخ آهنگری
به شوهر رده گردن سگری
حالا ماماسفران اتوبوسهای زائد،
ایم «سگر» و منهمان شرکت زائد
اند «آهنگر»!
چون گناه را این حضرات کرده اند،
مکافاتش را ما که در صف زائد
مان بزد آمده، باید ببینیم!

و یکی از نمایندگان حزب ایران نوین در حالیکه به رامبد
حمله می کرد به نمایندگان گفت : ایشان هنوز نتوانسته اند
قبول کنند که نماینده مردم هستند . - جراید
«مرشد»
وکیل با انصاف
میان مجلس شوربا وکیلی از وکلا
که تو هنوز نداری قبول این مطلب
میان مجلس شوربا کنور وکیل تویی
من این خبر چوشیدم از ریل ب گفتم
وکیل بودن خود را کسی که انکارید (۱)
میان جمله وکیلان به اعتقاد حقیر
همین یکی بود الحق وکیل با انصاف!

فایده خرابی!
خرابی خیابانهای تهران اگر
هزار عیب داشته باشد ، یک حسن
دارد و آن اینست که ماشینها از ترس
کله پا شدن توی چاله چوله ها، آنقدر
آهسته می روند که نه تنها آدم ، بلکه
مورچه هم زیر پای ماشین ها (۱) آسیبی
نمی بیند!

اظهار نظر درباره سفر به ماه

امروز خانم «ماه طلعت» خانم درباره «فراتر از ماه» اظهار داشتند:
اگر ترتیبی داده می شد که بازرسهای شرکت زائد ورود و خروج آپولورا
به ایستگاههای فضایی کنترل می کردند مسلماً آپولورا خیلی زودتر از زمان
مقرر به ماه می رسید کما اینکه اتوبوسهای شرکت زائد هم از ترس بازرسها
قبلی زودتر به مقصد میرسند!
آقای دکتر شهر به زاده نیز که بنیانگذار «ماهانه» یعنی شهریه مدارس
در ایران هستند گفتند: از این پس دیگر وزارت آموزش در مسابقه را در مورد
معلم های اضافی، نخواهد داشت و بلافاصله آنها را به کره ماه انتقال خواهد
داد، چون آنطور که تتبع و تحقیق شخصی اینجانب نشان میدهد، مدارس کره ماه
عکس ما از نظر معلم ، زیاد در مضیقه هستند!



آلدرین - اینو دیگه واسه چی آوردی!
آرمسترانگ - آوردم که اگه جدول ماه نشین از روی کره ماه بلند
شود، اینو واسه کیه!



دکتر مولی برای همه بچه های خوب،
در بزرگی یک بلیت مسافرت به کره ماه
آزرو می کنه:
◆ عده ای از علاقه مندان من (۱)
اعتراض کرده اند که چرا در بعضی شماره ها،
مثل این شماره ، توی سر کلیشه «تتمقاله»
پاهای منو هم مثل دست کشیده اند ...
در جواب باید خدمت شون عرض
بشه : برای اینکه بعضی از خواننده ها
منو «چهارپا» که فرض نکنن سهله بدونن
که اسم آدمها یک دلیل ارجحیت شون
به حیوانات ، داشتن «دو تادست» است،
من اولین موجود «چهار دست» دنیا
هستم ... یعنی نه تنها من بلکه همه ما
میمون ها حتی انگشت های «پا» مون هم
مثل بعضی از شما آدمها یا لافل مثل
انگشت پای شما آدمها بکاره نیست و
مثل انگشت های دست شما کار می کنه!
◆ آره آقای اسدالله گیلانفر :
در رسیدگی به وضع شرکت زائد، طبق
مدارکی که بدست بازرسان افتاده ،

رقبای شرکت زائد علاوه بر سوء -
استفاده های کلانی که میکرده اند، برای
سریوش گذاشتن بر روی این سوء -
استفاده ها همه هفته مبالغ هنگفتی هم
بابت «حق اسکوت» به این و آن میدادند
تا سوء استفاده هاشان منتشر نشود، که
فقط در عرض یکی دو ماه سال گذشته
این مبلغ به میایونها ریال زده بود .
متأسفانه از این قبیل ادارات و
مؤسسات در مملکت مسا تعدادشان
زیاد است و «حق اسکوت» هایی که
میپردازند باور نکردنی است ... و حالا
دیگر خود شما می توانید حساب کنید ما
در این مدت چهل و هفت سال بایکدنگی
و «انتقاد مداوم» و حق گوئی خودمان
از چه پولها و حق اسکوت های کلانی
گذشته ایم ... و اضافه بر آنچه دشمن -
های پولدار و زوردار برای خودمان
درست کرده ایم که به خون ما تشنه اند چه
رسد به آبرویمان ... و همه کاری علیه
ما میکنند که حداقل تبلیغات علیه ما،
بلاطایف الحیل و بهر وسیله که بتوانند .
◆ و اینهم تذکر آخر و خدا حافظ
تا هفته دیگه :
عده ای از خواننده ها اسم منو
«دکتر معمولی» می نویسند ... من از این
اسم خیلی بدم میاد ، چون از این دکتر
«معمولی» ها نیستم و «دکتر مولی» ام!
باحق : دکتر «غیر معمولی»!



بهای اشتراك توفيق

يكماه : ۵۰ تومن

ششماه : ۲۸ تومن

برای کلیه کشورهای خارج با پست زمینی

يكماه : ۵۵ تومن

ششماه : ۳۰ تومن

شما هر جا که باشید ، بهای اشتراك هريك از نشریات توفيق را میتوانيد وسیله هريك از شعبه های بانك صادرات یا (بانكهای دیگر) در سراسر کشور به :
« حساب شماره ۵۰۰۰ توفيق »

در « بانك صادرات مخبر الدوله » حواله کنید ، و رسید آنرا همراه با اسم و آدرس کامل و خواهی

مشتراك وسیله پست به آدرس :

« تهران - روزنامه توفيق - قسمت مشترکین » فرستید

تا ترتیب اشتراك شما داده شود

توفیق

سبیل

آنانکه بود سبیلشان دسته بیل

بردند به خانه پول را با زنبیل
با موی سبیل خویش بازی کردند
کاینهم بود از سلام باج سبیل ؟

منافع پرواز آپولو

پرواز آپولو - ۱۱ تمام مسائل جهان از قبیل جنگ ویتنام و اختلاف اعراب و اسرائیل را تحت الشعاع قرار داد .

اگر در کشور خودمان هم دیگر از مسائلی مثل محاکمه متهمان شرکت زائد ، کمپانی گوشت شیوع گاوگیری ، دزدان مسلح نقابدار ، مالیاتها و عوارض کمر شکن و هزار مسئله دیگر حرفی زده نمی شود ، بهمین جهت است که این مسائل تحت الشعاع پرواز آپولو قرار گرفته اند و لاغیر !
(لوده)



جانسون هنگام پرتاب آپولو

۱۱ حضور داشت . « - جراید

جنگسوز - خوب بود به چندتا بمب هم بهشون میدادین بعضی ده بندازن تو کرمها !

خطر طاعون !

« قربان ممکنه خواهش کنم صد تومن مساعده بهم بدین ؟
« نه ، خودتو سبک نکن چون از روزیکه طاعون گاو ، شیوع پیدا کرده من دست به دگاو صندوق نمیزنم !
مخترع پیاده روی !

چون پیاده روی یعنی استفاده از خط ۱۱ در کشور کل و بابل در واقع انگیزه ای بود برای ساخته شدن آپولو ۱۱ ، لذا فیمازی از افتخاری که فسوب سازنده آپولو - ۱۱ و سر نشینان آن خواهد شد به مخترع خط ۱۱ میرسد این پادشاه باشد .

تعمیر جاده !

خبر رسیده از وزارت بیراهه خاکست که جاده «هراز» از سمت آملی به فیروزکوه کاملاً تعمیر شده و برای عبور هر نوع اتومبیل آماده میباشد ، فقط مانده که از سمت فیروزکوه به آملی هم تعمیر بشود که اتومبیل ها از فیروزکوه هم بتوانند وارد جاده آملی شوند !
(پاستانی کار)

اینها دیاموند



فیلم « اولیور » بهترین فیلم سال ۱۹۶۸ - برنده

« ۶ جایزه اسکار » - در : « سینمادیاوند »

جلوی سینما دیاموند

ولی به دومی :

« آگه به بلیت فیلم اولیور برام گیر بیاری

« شیش تا جایزه اسکار » پیش من داری !

یخچال برقی

ز لطف برق ، اندر سال جاری
سرای ما به شب تیره است و تاری
سحر در داخل یخچال برقی
دو پتری آب خوردن سر گذاری
شبانه گرم تر باشد از اول
چو از یخچال آنها را در آری
به تهران تا که وضع برق این است
بود یخچال برقی چون بخاری



دزدان نقابدار ایرانی در تهران به بانک
ایران و انگلیس دستبرد زدند - جراید

جانبول - بی زحمت نصف پولهای رو که برداشتن رد کن
بیاد که مال ماست .

« شما هم بی زحمت پول نفت هائی رو که میبرین رد کنین
چون همه اش مال ماست .

بعد از فروش
پس گرفته میشود

مخصوص «ماه» توفیق
بمناسبت سفر به کره ماه
صفحه اضافه بها: همان ۱۰ ریال

«اله از شکایت خود از گو گوش صرف نظر کرد و بحالت قهر از او جدا شد»

اله - من باتوقهرم... بخدا، من باتوقهرم!



«بریزیت باردو گفت: من هرگز بماه نخواهم رفت» - خبر گزار بها

- تو خودت ماهی جیگر جون، ماه میخوای بری چیکار؟! -



«هویدا روزی شش ساعت برای نسل آینده کار میکند» - جراید

- قربان یه ارباب رجوع میخواد خدمت تون برسه .

- اگه از نسل فعلیه بگو وقت ندارن، دارن برای نسل

آینده کار میکنن!

